

انشاع بایان

در میان پیروان باب دو برادر از اهالی نور از قصبات مازندران بودند، به نامهای میرزا حسینعلی و میرزایحیی صبح ازل. برادر کوچکتر با میرزایحیی از آغاز مورد توجه باب بود و باب نوشتجات خود و سایر چیزها را برای او می‌فرستاد و بعدها طبق يك وصیت‌نامه که در کتاب نقطه الکاف اثر حاجی میرزا جانی کاشانی نقل شده [و این کتاب در دوران باب و جنبش بایان تألیف شده است]، میرزایحیی را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد و وصیت کرد که میرزایحیی هشت واحد باقیمانده از کتاب بیان را تحریر کند. ولی در صورت ظهور «من یظهره الله» یا همان پیامبر بعدی [طبق گفته خود باب قرار بود این پیامبر دوهزار سال پس از باب ظهور کند]، صبح ازل یا همان میرزایحیی، کتاب بیان را نسخ کند و به این پیامبر بگردد. پس از قتل باب، میرزایحیی صبح ازل رهبری بایان را به دست گرفت، تا آنکه واقعه سوء قصد به ناصرالدین شاه پیش آمد و صبح ازل که در آن هنگام در مازندران می‌زیست، مخفیانه و با لباس مبدل به کشور عراق رفت و چهارماه پس از فرار او، برادرش میرزا حسینعلی نیز که پس از واقعه ترور شاه در تهران زندانی بود، به وساطت سفیر دولت روسیه از زندان آزاد گردید و در بغداد به صبح ازل پیوست، و از این پس بایان روی به بغداد آوردند. آنان در حدود ده سال به آرامش در آنجا زندگی کردند و در اواخر همین دوران بود که میرزا حسینعلی سر به طغیان برداشت و ادعا کرد که جانشین حقیقی باب شخص اوست، اما جمعی از بایان تدیعی و متعصب نظیر ملا محمد جعفر تراقی، ملا رجبعلی قاهر، حاجی سید محمد اصفهانی، حاجی سید جواد کربلایی، حاجی میرزا احمد کاتب، حاجی میرزا محمدرضا و چند تن دیگر، میرزا حسینعلی را تهدید کردند و او به ناچار از بغداد بیرون رفت و نزدیک به دو سال با جامعه درویشان در کوه‌های سلیمانیه زندگی کرد، تا آنکه صبح ازل نسبت به او مهربان شد و امر به بازگشت او به بغداد داد. در همین ایام، میرزا اسدالله دیان [تبریزی] که باب او را منشی صبح ازل قرار داده بود و زبانهای عبری و سریانی را نیک می‌دانست، ادعا کرد که همان پیامبری است که قرار بود پس از باب

بایبان با او مباحثه و مجادله بسیار کردند و چون دست از ادعای خود برنداشت، او را به قتل رسانده و سنگی به پای او بسته، در شط العرب غرق کردند. پس از این واقعه چند تن دیگر نیز نظیر میرزا عبدالله غوغا، حسین میلانی و سید حسن هندبانی همین ادعا را تکرار کردند. از این پس بود که میرزا حسینعلی بهاءالله بطور جدی به فکر غصب مقام برادر افتاد، و در این راه آقا میرزا آقاخان کاشانی را که بعدها منشی مخصوص او و ملقب به جناب خادم الله گردید، با خود همراه کرد. در این مدت، چون تعداد بایبان در شهر بغداد زیاد شده بود، روحانیون ایرانی مقیم شهرهای کربلا و نجف به دولت ایران شکایت کردند و دولت ایران نیز به سفیر خود در دربار دولت عثمانی، میرزا حسین خان مشیرالدوله دستور داد تا از دولت عثمانی بخواهد که بایبان را به نقطه دیگری کوچ دهد.

دولت عثمانی پس از چهارماه، بایبان را به ادرنه فرستاد و آنان تا پنج سال بعد در این منطقه زندگی کردند. در مدت اقامت در همین منطقه بود که میرزا حسینعلی بهاءالله نقاب از چهره برداشت و آشکارا ادعا کرد که همان پیامبر بعدی است که باپ بشارت ظهور او را داده بود.

پس از این واقعه، اکثر بایبان در پیرامون او جمع شدند و چون زد و خوردهایی بین پیروان دو برادر در گرفت، دولت عثمانی، میرزا حسینعلی بهاءالله و پیروان او را به عکاء و صبح ازل و پیروان او را به جزیره قبرس تبعید کرد و چهارتن از پیروان میرزا حسینعلی [مشکین قلم خراسانی، میرزا علی سیاح، محمدباقر اصفهانی و عبدالغفار] را به همراه صبح ازل روانه کرد و چهارتن از پیروان صبح ازل [حاجی سید محمد اصفهانی، آقاخان بیک کاشانی، میرزا رضاقلی تفرشی و میرزا نصرالله تفرشی] را نیز در میان یاران میرزا حسینعلی جا داد، تا مراقب اعمال یکدیگر باشند و نتیجه را به دولت عثمانی اطلاع دهند.

اما قبل از حرکت آنها از ادرنه، میرزا نصرالله تفرشی به دست پیروان میرزا حسینعلی مسموم شد و سه نفر دیگر از پیروان میرزا یحیی به فاصله‌ی اندک پس از ورود به عکاء، به دستور میرزا حسینعلی به قتل رسیدند. از آن پس پیروان میرزا حسینعلی بهاءالله که به بهائیان شهرت داشتند، اقدام به ترور بایبان قدیمی و انقلابی کردند و چاقوکشان او ملا رجعی را در شهر کربلا، حاجی میرزا احمد کاشانی را در شهر بغداد، حاجی میرزا محمدرضا، حاجی ابراهیم، حاجی جعفر تاجر، حسینعلی،

آقا ابوالقاسم کاشانی، میرزا بزرگ کرمانشاهی و چند تن دیگر را در چند نقطه دیگر به قتل رساندند. هیچ سندی در این باره گویاتر از رساله تنبیه الناصبین اثر عزیه خانم خواهر مشترک مرزا حسینعلی و میرزایحیی نیست. او در این رساله به دقت شرح ترور بابیان قدیمی را به دست بهائیان ذکر کرده است.

از این پس بابیان به دو گروه بهائیان با پیروان میرزا حسینعلی بهاءالله و ازلیان با پیروان میرزایحیی صبیح ازل تقسیم شدند. صبیح ازل ادعای بزرگی نداشت و تنها مدعی بود که جانشین باب است. اما بهاءالله مدعی نبوت و پیامبری بود و اظهار می‌داشت که ظهور او، همان معادی است که سید علی محمد باب پیش‌بینی کرده بود.

آیین بهاء‌الله یا بهائیگری

تعلیمات مذهبی او چیزی نیست، جز يك دين سازي آشكار و كاسبكارانه و يك كلاشي مطلق، كه تصدي جز فریب توده‌های بی فرهنگ ندارد. این تعلیمات در يك رشته از آثار او و نامه‌ها یا فرامین [احکام] او به دقت تشریح شده است.

این آثار عبارتند از کتاب مذهبی او اقدس که مجموعاً ۴۷ آیه دارد. الواح یا مجموعه نامه‌ها و فرامین او که حاوی ۶۰ لوح است. اقتداوات و ایقان و کتاب هفت دای که بهاء‌الله آنرا برای شیخ عبدالرحمن کرکوتی نوشته و چون کرکوتی از مشایخ صوفیان بود، بهاء‌الله مصطلحات صوفیان و عرفا را عیناً تقلید کرده است.

نخستین هدف بهاء‌الله تضعیف و نابود کردن آثار باب و بایبان اولیه و زدودن نام میرزایحیی صبح ازل از خاطر بهائیان بود. او با زیرکی خاصی موفق شد به کمک یاران خود، آثار اصیل باب و بایبان را از تمام نقاط ایران جمع‌آوری و نابود کند.

قصد او از این کار، نابود کردن خصیلت انقلابی بایبان و قراردادن اخلاقیات، آنهم اخلاقیات مبتذل و حساب شده، بجای آن بود. نخستین شکار بزرگ او، کتاب نقطه الکاف اثر حاجی میرزا جانی کاشانی مورخ بابی بود که در اوج جنبش بایبان تألیف شده بود. بهاء‌الله موفق شد تمام نسخه‌های این کتاب را از سراسر ایران و عراق و عثمانی گردآوری و معدوم کند. تنها يك اتفاق عجیب باعث شد که يك نسخه از این کتاب، به دست دیپلمات فرانسوی، کنت دو گوینو بیفتد و از ایران خارج شود. اگر گوینو نبود، اکنون هیچ اثری از این کتاب در روی زمین موجود نبود.

بهاء‌الله پس از جمع‌آوری و معدوم کردن نسخه‌های این کتاب، دستور تألیف يك تاریخ جدید را که مطابق با خواسته‌ها و نظریات شخص او بود، صادر کرد و میرزا حسین همدانی مأمور تحریر این تاریخ شد و پس از اتمام آن، آنرا تاریخ جدید نامید.

از این پس هر چه بهاء‌الله بیشتر قدرت می‌یافت، به همان اندازه تاریخ بایبان و ماهیت آیین باب در ابتدای پیدایش آن، تاریکتر و مغشوش‌تر

می‌گردید. اکنون پس از جرح و تعدیل حقایق آیین باب توسط بهاء‌الله هنگام آن رسیده بود که آیین بهائی تقدیم توده مردم گردد. این آیین آمیزه‌بی است از اخلاقیات و چگونگی آیین زندگی و برخی مسایل اجتماعی، که بهاء‌الله با زیرکی خاصی سعی کرده بود آنرا با روزگار خود وفق دهد:

تجدید وسایل خانه، پوشیدن حریر، تراشیدن ریش، تراشیدن موی سر، چگونگی جلوس روی منبر، چگونگی موسیقی و آوازخوانی، انتخاب لغت و خط واحد برای تحریر، استعمال ظروف طلا و نقره برای غذا خوردن، تحریم غذا خوردن با دست و تأیید غذا خوردن با قاشق و چنگال، مساوات زنان و مردان، پوشیدن پوست خز، چگونگی طهارت دست و پا، آداب حمام رفتن، چگونگی کفن و دفن مردگان، چگونگی نمازهای مختلف، چگونگی ازدواج و طلاق، ایجاد بیت‌العدل یا خانه انصاف و...

آیین او آنچنان مبتذل است که حتی جایی برای تحلیل باقی نمی‌گذارد. دین سازی حساب شده و کلاسی مطلق بهاء‌الله و جانشینان او عبدالله‌بهاء [عباس افندی] و شوقی افندی هنگامی آشکار می‌گردد که تحلیلی از عقاید اجتماعی و سیاسی آنان به دست داده شود.

بهاء‌الله که با زیرکی خاصی و وفق شده بود، جنبه‌های انقلابی آیین باب را نابود کند و اخلاقیات مبتذل را بجای آن قرار دهد، همواره سعی می‌کرد که با حکومت قاجار از در صلح و آشتی وارد شود. در حالیکه با بیان اولیه، خود را مظلوم فرض می‌کردند، ولی در کمال اطمینان و یقین می‌خواستند که وارث ارض [زمین] گردند. آنان کسانی را که مؤمن به باب نبودند، نجس و واجب‌القتل می‌دانستند و به سلسله قاجار بغض و نفرت شدیدی داشتند و این حس خود را به هیچ وجه پنهان نمی‌کردند.

بهاء‌الله در پی کوشش بسیار برای صلح با ناصرالدین شاه، در یک فرمان رسمی [لوح سلطان]، ناصرالدین شاه را مظهر عدل و پادشاه زمان اعلام کرد. او به پیروان خود همواره توصیه می‌کرد که باید «گشته شدن را بر کشتن، ترجیح داد.»

در پی این سازش، بهاء‌الله سفارشات اکید درباره دخالت نکردن بهائیان در امور سیاسی صادر کرد. او رسماً در کتاب آسمانی خود! اقدس [ص ۲۷] نوشت:

هیچ کس نباید بر سلاطین و حکومت‌های وقت خود اعتراض کند و بهائیان باید با حکومت کاری نداشته باشند.

نیز در کتاب گنجینه احکام [ص ۲۶۳] گفته است:

خداوند عزت مملکت را به ملوک عنایت فرموده، بر احدی جائز نیست که امری را که مخالف رأی آنان است، مرتکب گردد. در همین کتاب [ص ۲۶۶] آمده:

هر بهائی که در امور سیاسی مداخله نماید، از صف بهائیان اخراج می‌گردد.

این تعالیم پس از مرگ بهاء الله، توسط پسر او عبدالبهاء [عباس افندی] نیز تأکید و تأیید گردید. او نیز در گنجینه احکام [ص ۳۶۸] می‌گوید:

فرمان قطعی خداوند این است که باید از حکومت اطاعت نمود و این مسئله هیچ تفسیر و تاویل بر نمی‌دارد. از جمله اطاعت این است نه هیچ کلمه‌ای نباید بدون اجازه حکومت، چاپ گردد.

روش مداخله نکردن بهائیان در امور سیاسی و تأیید اقدامات ضد مردمی سلسله قاجار توسط رهبران بهائی تا بدانجا ادامه یافت که در هنگامه انقلاب مشروطیت ایران [۱۳۲۴/۱۹۰۵]، عبدالبهاء رسماً به دفاع از محمدعلی شاه پرداخت و به انقلابیون حمله کرد و در یکی از الواح خود چنین نوشت:

طهران، حضرت ایادی امرالله حضرت اعلی قبل اکبر علیه بهاء الاهی (هوانه) ای منادی پیمان نامدنی که بجناب منشادی [حاجی سید تقی] مرقوم نموده بودید، ملاحظه گردید و بدقت تمام مطالعه شد... از انقلاب ارض طا [زمین تهران] مرقوم نموده بودید، این انقلاب در الواح مستطاب مصرح و بی‌حجاب ولی عاقبت سکون یابد و راحت جان حاصل شود... و سریر سلطنت کبری در نهایت شوکت استقرار جوید و آفاق ایران بنور انیت عدالت شهریاری [محمدعلی شاه] روشن و تابان گردد... مکدر مگردید، جمیع یاران الاهی را باطاعت و انقیاد و صداقت و خیرخواهی سریر تاجداری دلالت نمائید، زیرا بنص قاطع الاهی مکلف بر آنند. زنهار زنهار اگر در امور سیاسی نفسی از احباء مداخله نمائید و یا آنکه کلمه‌ای بر زبان برانند... باری گوش به این حررها مدهید و سب و روز بجان و دل بکشید و دعای خیر نمائید و تضرع و زاری فرمائید، اعلیحضرت تاجداری در جمیع امور نوایای خیریه اعلیحضرت شهریاری واضح و مشهور، ولی نوهوسانی چند [مشروطه خواهان] گمان نمایند که کسر نفوذ سلطنت سبب عزت ملت است، هیئات، هیئات، این چه نادانی است...

اعلیحضرت شهریارى الحمد لله شخص مجربند و عدل مصور، عقل مجسم
 و حلم مشخص و... والسلام على من اتبع الهدى ۱۱ ج، سنه ۱۳۲۵
 [۱۹۰۵] ع.ع.

اما این روپاه پیر مکار، که با دقت و فرصت طلبی خاصی، جریان
 انقلاب ایران را تعقیب می کرده، بلافاصله پس از شکست مرتجعین از
 انقلابیون و فرار محمدعلی شاه و تشکیل مجلس شورای ملی، در نامه بی به
 میرزا یونس خان چنین نوشت:

طهران جناب میرزا یونس خان (هوالت). ای ثابت بر پیمان نامه
 شما رسید. از تفصیل بعیانیها از لیان یا پیروان میرزا یحیی [اصلاح
 حاصل گردید. سبب جمیع اینها اختلاف اعباست... حال بیاید
 محاجه این گونه امور را کنار گذاشت، حال این امور هر قسم پیش
 آید خوش است، بعد درست میشود. اکنون باید بجوهر کار پرداخت
 و با سیاسیون مرارده کرد و حقیقت حال بهائیان را بیان نمود...
 از پیش بشما مرقوم گردید که اعباء باید بتهایت جهد و کوشش سعی
 بلیغ نمایند که نفوسی از بهائیان از برای مجلس ملت انتخاب
 گردد... ابدأ فرصت ندارم. مجبور بر اختصارم. عفو فرمائید. و
 عليك البهاء الابهي ع.ع. [عباس افندی - عبدالبهاء]. فدائی درگاه
 حضرت مولی الوری علی اکبر انیلانی استنساخ نمود فیشهر [درماه]
 رمضان ۱۳۲۹ هجری قمری [۱۹۱۰ - ۱۹۰۹ میلادی].

خیانت رهبران بهائی به ملت ایران محدود به این امر نبود.
 بزرگترین خیانت بهاءالله ترویج نظریه جهان وطنی و تقبیح ملت گرابی
 بود. قرن نوزدهم میلادی، دوران اسیر شدن سوداگری ایران در چنگال
 سرمایه مالاری اروپا بود و سوداگری ایران سعی می کرد با چنگ و دندان
 موقعیت خود را حفظ کند و سرمایه مالاری اروپایی را از ایران براند و
 استقلال کشور را حفظ کند.

در این مبارزه، ملت گرابی و بازگشت به افنخارات گذشته و ترویج
 و تقویت آن در اذهان توده مردم، بهترین سلاح سوداگری ایران بشمار
 می آمد. این ملت گرابی که توسط برخی از روشنفکران و متفکران ایرانی نظیر
 جلال الدین میرزا و میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی، که در
 واقع سخنگویان نظام جدید سوداگری بودند، ترویج و تقویت می شد، در ابتدا
 حالتی انفعالی و منفی داشت. بدین معنی که جنبه ضد عربی و ضد اسلامی
 آن بر جنبه ضد اروپایی آن چربش داشت، و این به دلیل نمود افکار مانکچی

رهبر زرتشتیان هندوستان [که دست پنهان دولت انگلیس از او حمایت می‌کرد] در افکار جلال‌الدین میرزا و آخوندزاده بود. اما این ملت‌گرایی در مرحله بعدی خود، حالتی متمیزه‌جویانه علیه تسلط بیگانه بخود گرفت. این حالت که ما به آن ملت‌گرایی معقول می‌گوییم در آن دوران، یکی از مهمترین سلاحهای توده‌های ایرانی علیه تسلط بیگانه بود. زیرا ملت‌گرایی کشور متمکش را نباید با ملت‌گرایی کشور متمگر به اشتباه گرفت. در ملت‌گرایی کشور متمکش يك عنصر دموکراتیک عمومی وجود دارد که ماهیت ضد متمدن دارد. این نوع ملت‌گرایی در مرحله معینی از تاریخ، قابل توجیه و قابل دفاع می‌باشد. زیرا این عنصر، خود را در تلاش مردم متمکش برای آزاد ساختن خویش از متمدن امپریالیستی، کسب استقلال ملی و فراهم کردن زمینه احیای ملی متجلی می‌سازد.

اما بهاءالله چنانکه در آینده خواهیم دید، به دلیل بند و بستهای معرمانه‌اش با امپریالیسم جهانی نمی‌توانست نظر مساعدی به این ملت‌گرایی مشروع داشته باشد. او باید ضربه خود را بر سوداگری تازه‌های ایران و انقلابیون ایران وارد می‌کرد، و وارد کرد. به همین دلیل بود که از گوشه کاخ خود ملت‌گرایی را تقبیح و جهان وطنی را تبلیغ کرد:

«ليس الفخر لمن يحب الوطن بل الفخر لمن يحب العالم.»

پس از تمام این ماجراها، اکنون لحظه استراحت پیامبر! جدید فرا رسیده بود. اکنون هنگام ارضاء عقده‌ها و جاه‌طلبیها بود. پیامبر جدید و آخرین! در کاخ عریض و طویل خود، در پس اتانها و پرده‌ها پنهان شد. توده بهائیان یا به گفته خود او اغنام [گوسفندان] از زیارت او محروم شدند. زیرا میرزا بهاء در کلمات مکتوبه نوشته بود:

کورشو تا جمالمن یعنی، کورشو تا صوت ملیحم را شنوی. جاهل شو تا از علمم نصیب بری.

زیارت او مساوی است با کور شدن. توده بهائیان فقط وظیفه داشتند مالیاتهای مذهبی و هدایای خود را از نقاط دوردست ایران به کاخ پیامبر آخرین ارسال دارند. و هنگامی هم که از شهرها و روستاهای دورافتاده ایران پس از تحمل مشقات فراوان، برای زیارت پیامبر، به شهر عکا می‌رفتند تا حاصل کار خود و شیره جان خود را خدمت پیامبر تقدیم دارند، دیوان سالاری عظیم پیامبر، همچون سد سکندر بین آنها و جمال مبارک حایل می‌شد و تنها پس از تقدیم هدایای فراوان به اطرافیان پیامبر و خود او، تکه‌یی از لباس کهنه پیامبر یا ته‌مانده غذای او به عنوان تبرک به آنان

هدیه می‌شد. هیچکس حق زیارت پیامبر را نداشت، جز پسران او و اطرافیان نزدیکش. هیچ تصویری از او در اختیار توده بهائیان قرار نمی‌گرفت. زیرا بهاء‌الله موجودی غیرزمینی و غیرخاکی، موجودی الهی بود و افتخار زیارت او نصیب هر کسی نمی‌شد. چنین بود سرانجام و نقطه پایان آن جنبش بزرگ انقلابی که لرزه بر اندام حکومت فئودال قاجار و سرمایه‌سالاری جهانی حامی آن انداخته بود. چنین بود سرانجام رقت‌بار و کثیف آن میراث انقلابی.

تصویر شخصیت بهاء‌الله را از زبان ادوارد براون می‌خوانیم:

پس از پانزده روز اقامت در شهر ماغوسا در قبرس [محل اقامت یحیی صبح ازل] به عزم مسافرت به عکا حرکت کردم و ابتدا به قصد ملاقات پیشکار بهائیان به بیروت رفتم. زبرا هرکس می‌خواست به ملاقات بهاء‌الله نایل گردد، بابتی اولاً به توسط یکی از عمال بهائی که در پرت سعید یا اسکندریه یا بیروت اقامت دارند، از این فقره استعلام نماید، اگر ایشان صلاح می‌دیدند، رخصت و دستورالعمل این کار را می‌دادند، والا فلا... پس از مدت‌ها انتظار و فعالیت بسیار دستور حرکت داده شد. روز ورود به عکا در منزل یکی از تجار عیسوی منزل کردم. پس از آن یکشب هم در منزل یکی از محترمین بهائیان و روز دوم پسر بزرگتر بهاء‌الله، عباس افندی که اکنون معروف به عبدالبهاس است آمدند و مرا از آن خانه حرکت داده به قصر بهجه که نیم ساعتی خارج عکا واقع و مسکن شخصی بهاء‌الله بود منزل دادند.

نردای آفرود یکی از پسران کوچکتر بهاء‌الله وارد اتاق من شده خواهش کرد که همراه او بروم. من نیز دنبال او روان شدم و از اتاقها و گذرگاههای بسیار که فرصت نگاه کردن به آنها را نداشتیم، عبور کردیم تا به يك ایوان وسیع مغروش پخاتم کاری مرمر رسیدیم. راهنمای من در مقابل يك پرده تدری مکث نمود تا من موزه‌های [پاپوش] خود را از پا درآوردم. پس از آن پرده را بلند کرده من داخل تالار وسیعی گشتم. دريك گوشه تالار بر بالای مخده دپدم مرد وقور محترمی نشسته کلامی مانند تاج درویشان ولی بسیار بلندتر بر سر، و دور آن عمامه کوچکی از پارچه سفید پیچیده، با چشمان درخشان که گنتی خیال شخص را ناگفته می‌خواند، و ابروان کشیده و پیشانی چین‌دار و موی سیاه و ریش سیاه بسیار انبوه طویل

که تقریباً تا محاذی کمر می‌رسید. این شخص خود بهاءالله بود.

چنین بود چهره و شخصیت این پیامبر آخرین و زهد و تقوای او. اگر در اروپا میراث و خون‌بهای توماس مونتسیر و صدها هزار دهقان و شهری تکه تکه شده و در آتش سوخته در جریان جنگهای روستایی آلمان و فورم مذهبی، به پاپ ژنو جان کالوین و مکتب کاسیکارانه او کالوینیسم و پروتستانیسیم ارتجاعی رسید، در ایران نیز میراث و خون‌بهای سیدعلی محمد باب، ملا حسین بشرویه، ملا محمدعلی بازرگوشی، ملا محمدعلی زنجانی، سیدیحیی دارابی، قرةالعین و بدنهای شمع آجین شده و قطعه قطعه گردیده حاج سلیمان خان تبریزی و حاج قاسم خان نیریزی و حاج میرزا جانی کاشانی و هزاران زن و مرد و کودک بابی، به میرزا حسینعلی بهاءالله و بهائیکری ارتجاعی رسید.

این میراث و خون‌بها، چیزی نبود جز همان مالیاتهای مذهبی، آن شکوه و جلال و آن دیوان سالاری عظیم و طویل، و آن قصر افسانه‌یسی با آن اتاقهای مفروش به خاتم کاری مرمر، یا قصر بهجه، مقر اقامت پاپ و پیامبر عکا.

دخالت دولتهای اروپایی

سرمایه‌سالاری اروپایی که در قرن نوزدهم میلادی بر تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی ایران هجوم برده بود، جنبش بایبان را نیز بی‌تصیب نگذاشت و به آن نیز پورش برد.

این حمله در دوران اولیه جنبش بایبان یا در دوران انقلابی آن با ترس و وحشت و احتیاط بسیار و مطالعه چگونگی جنبش همراه بود. علاوه بر آن، سرمایه‌سالاری جهانی در آن هنگام هنوز در مرحله اول خود یعنی در مرحله رقابت آزاد یا مرحله استعمار زندگی می‌کرد. در بنیه دیپلمات فرانسوی مقیم تهران، هنگام واقعه قلعه شیخ طبرسی به وزیر امور خارجه فرانسه نوشته بود:

اینها هم‌مسئله‌کنان زیادی در تهران و تبریز و سایر شهرهای ایران دارند و با سلسله قاچار خصومت می‌ورزند، و می‌گویند که قاچار تخت سلطنت را محصب کرده است که باید تعلق به جانشین و نماینده امامان داشته باشد، زیرا نماینده امامان، تنها سلاطین مشروع ایران هستند.

گزارشات مفصل و بی‌درهی سفیر روسیه در ایران، دالگورکی به وزیر خارجه روسیه کنت تسلرود، نشان دهنده وحشت عجیبی است که در پی وقوع جنبش بایبان، سرپای وجود آن دسته از کشورهای اروپایی را که در ایران صاحب منافع بیشمار بودند، فرا گرفته بود:

۱. گزارش تاریخ ۳ فوریه ۱۸۴۸: مدتی است که تهران در هیجان و تب و تاب است. شخصی به نام باب که چندی قبل از اصفهان اخراج گردیده و به ماکو تبعید شده بود، بنا به تقاضای مصرانه من، او را از سرحد کشور ما دور کردند و بجای دیگر فرستادند.

۲. گزارش تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۸۴۹: آنها کمونیستهای مسلح! هستند... بهر طرف که نگاه می‌کنم، جنبش انقلابی می‌بینم.

۳. گزارش تاریخ ۱۲ فوریه ۱۸۵۰: ... بایبان مالکیت افرادی را که از فرقه آنها نیستند، محترم نمی‌شمارند و آنرا غیر قانونی می‌دانند... آنها فوق‌العاده خطرناک می‌باشند.

۴. گزارش تاریخ سه ژوئیه ۱۸۵۰: لردپالمرستون از سفیر خود در ایران خواسته بود که گزارش مفصلی راجع به بایبان به انگلستان ارسال دارد.

۵. گزارش تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۸۵۰: رهبر آنان [ملا محمدعلی زنجان‌ی رهبر بایبان زنجان] به سمیع افندی سفیر دولت عثمانی و شیل سفیر دولت انگلیس پیشنهاد نموده تا در این باره دخالت و وساطت کنند. لکن همکار انگلیسی من می‌گوید، به نظر نمی‌رسد دولت ایران حاضر شود تا دول خارجی به بایبان یاری برسانند!

۶. گزارش تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۸۵۲: طبق آنچه که من از سخنان امام‌جمعه فهمیدم، بایبان با اصول دین اسلام مخالف هستند و آنرا رد می‌کنند و در امور سیاسی هم، مدعی شاه می‌باشند. آنان دیانت جدیدی دارند، و پیرو تقسیم اموال بطور تساوی می‌باشند. رویهم رفته اهداف و مقاصد اجتماعی و سیاسی آنها شبیه به کمونیستهای اروپایی است!

چنین بود نظریات سفیران دولتهای اروپایی در ایران درباره جنش بایبان. اما چندی بعد، طی تحولاتی که شرح آن گذشت، هرچه جنش بایبان بیشتر خصائل انقلابی خود را از دست می‌داد و توسط بهاءالله بسوی اخلاقیات مبتذل روی می‌کرد، سرمایه‌سالاری اروپایی هم که رفته رفته مشغول گذار از مرحله اول خود یعنی مرحله رقابت آزاد و استعمار به مرحله دوم یا مرحله انحصارات و امپریالیسم و تقسیم جهان بود، بیشتر به آن توجه می‌کرد و برای در اختیار گرفتن آن کوشش می‌کرد. این توجه پس از سرکوبی تمام بایبان انقلابی توسط دولت قاجار و فتودالهای بزرگ، آغاز شد و پس از حادثه ترور ناصرالدین‌شاه به دست بایبان که طی آن بایبان تهران قتل‌عام شدند، دولت روسیه که از مدتها قبل میرزا حسینعلی بهاءالله را زیر نظر داشت و از اندیشه‌های باطنی او بخوبی آگاه بود، به دفاع از بهاءالله که در زندان دولت بود، برخاست و با وساطت دالگورکی، بهاءالله از زندان آزاد شد و به بغداد رفت. سومین رهبر بهائیان شوقی افندی در کتاب قرن بدیع رسماً به همین مسئله اشاره کرده است:

دزرزکنده، میرزامجید شوهرخواهر بهاءالله در خدمت پرنس دالگورکی سمت منشی‌گری داشت... سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله به دولت امتناع نمود.

طبق نوشته همین شخص در همان کتاب، کلنل آرنولد ژنرال کنسول

دولت انگلیس در شهر بغداد، قبول حمایت و تبعیت دولت انگلیس را به بهاءالله پیشنهاد کرد و به او اظهار داشت که اگر مایل باشد [بهاءالله] می‌تواند با مملکت ویکتوریا مکاتبه کند و حتی دولت انگلستان حاضر است ترتیبی فراهم آورد که بهاءالله در هندوستان یا هر نقطه دیگر که مایل باشد، اقامت کند.

در ابتدای ماجرا و در رقابت شدید روسیه و انگلستان برای جلب محبت بهاءالله، پیروزی از آن دولت روسیه گردید و این دولت به بهائیان اجازه داد تا در شهر عشق‌آباد برای خود معبد برپا سازند «تا در ظل اقتدار دولت روسیه رسمیت یابند.»

والتین پیروول انگلیسی که در ۱۸۸۵ با وساطت لارنس اولیفند با بهاءالله ملاقات کرده، ذکر می‌کند که روسها توجه مخصوصی به بهائیان دارند و یکی از زبردست‌ترین افراد پلیس آنها به نام کاپیتان تومانکی تحقیقات دقیقی راجع به بایبان و بهائیان به عمل آورده و حتی برخی از آثار آنها را به زبان روسی ترجمه کرده است. او می‌افزاید که مأموران دولت روسیه در تمام نقاط ایران با بهائیان روابط نزدیک دارند و در روسیه مورد توجه خاص حکومت هستند و در عشق‌آباد برای آنها زمین و وسایل دیگر فراهم آورده و عبادتگاه برپا کرده‌اند.

ادوارد براون نیز شهادت می‌دهد که جاسوسان دولت روسیه در چگونگی کیفیت آثار بهائیان دخالت نزدیک داشتند و حتی آلکساندر تومانکی [کاپیتان تومانکی] برخی از آثار بهائیان را که به او هدیه کرده بودند، به زبان روسی ترجمه کرده و چند فقره از آنها در جلد هشتم مجله‌یی که وابسته به انجمن پادشاهی روسیه، آثار عتیقه بود در سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ به چاپ رسانده است.

میرزا ابوالفضل گلپایگانی یکی از فضلاء بهائیان و از اطرافیان رهبران بهایی نیز در رساله اسکندریه شرح می‌دهد که سبب نامیدن این رساله به اسکندریه چیزی نبوده است، جز دوستی عمیق او و سایر رهبران بهایی با آلکساندر تومانکی و اینکه او این رساله را در ایام اقامت خود در سمرقند تألیف کرده و از راه محبت آنرا بنام آلکساندر [اسکندر] نامیده است.

در تمام دورانی که بهائیان زیر سلطه و تحت حمایت دولت روسیه بودند، رقیب آنها انگلستان نیز که مدتی قبل موفق شده بود یکی از مرتجعین و وطن‌فروشان بزرگ ایران به نام آقاخان محلاتی رهبر فرقه

اسماشیلیه را تحت حمایت خود بگیرد و او را به هندوستان ببرد، حمایت از صبح ازل و ازلیان را به عهده گرفت و این در هنگامی بود که صبح ازل نیز روحیه انقلابی را رها کرده و به پیروان اندکش دلخوش کرده بود.

جرج. ن. کرزن دیپلمات نامدار انگلیسی ذکر کرده است که صبح ازل در حال حاضر در قهرس زندگی می کند و دولت انگلیس برای او و پیروانش مفرری مخصوص برقرار کرده است.

حمایت دولت روسیه تزاری از بهائیان و دولت انگلستان از ازلیان پس از جنگ جهانی اول صورت دیگری بخود گرفت. پس از سقوط خانواده تزار در روسیه و حمایت نکردن کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از بهائیان، این فرقه یکسره در دامن دولت انگلستان درغلطید، و چون سرزمین فلسطین نیز به تصرف سپاهیان انگلیسی درآمد، این حمایت کاملاً جنبه علنی بخود گرفت.

در یک مراسم رسمی و با شکوه، عبدالبهاء رهبر بهائیان از دست لرد آلبینی حاکم نظامی حیفافرمان و نشان مخصوص لرد از دولت انگلستان گرفت و به پاس مرحمت دولت انگلستان، لوح رحمت با لوح ژرژ پنجم را تحریر کرد:

لوح رحمت

هو الله اللهم ان سراق العدل قد ضربت اطنابها على هذا الارض المقدسه في مشارقها ومغاربها و نشرك و نعمدك على حلول هذه السلطنة العادله و الدولة القاهره الباذلة اتقوة في راحت الرعية و سلامت البرية اللهم ايد الامبراطور الاعظم جرج الخامس عامل انكليترا بتوفيقاتك الرحمانية و ادم الظليل على هذه الاقليم الجليل بعونك و صونك و حمايتك انك انت المتندر المتعالى العزيز الكريم.
حيفا ۱۷ دسمبر ۱۹۱۸. ع. ع.

[اوست خداوند، خداوندی را که عدالت او بر این سرزمین مقدس در شرق و غرب گسترده شده، حمد و ثنا می گویم که وجود این سلطنت عادلانه و دولت قاهره که قدرت خود را برای آسایش و سلامت رعایا بذل نموده، خداوند امپراطور اعظم ژرژ پنجم پادشاه انگلستان را با توفیقات رحمانیه خود نگاهدار و سابه عدالت گستر او را بر این کشور عزیز بگستر و آنرا

در حمایت خود گیر و حفظ نما زیرا تو خدای توانا و متعالی و عزیز و کریم هستی.

حیقا. دسامبر ۱۹۶۸. ع.ع. [

چنین بود نقطه پایان آن جنبش انقلابی. گویا چنین مقدر بود که آن نهر پاکیزه و متحرک و جوشان و خروشان انقلابی ایرانی، سرانجام به نهری مبدل گردد که حامل آب متعفن مردابها و لعین زارها باشد، نهری که سرانجام و در نقطه پایان خود به رود تایمز بریزد.

نتیجه و پایان

جنبش بایبان که در مرحله گذار تاریخی ایران از جامعه کهن فئودال به جامعه نوین سوداگری روی داد، به عللی که ترح آن گذشت محکوم به شکست بود. اما بدون تردید تأثیری بزرگ بر جامعه نرفته نهاد و جریان از هم پاشیدگی جامعه سنتی و کهن را تشدید کرد و مقدمات تشکیل جامعه جدید را فراهم آورد. بلافاصله پس از سرکوبی این جنبش، صدراعظم وقت امیر کبیر با آنکه با تمام وجود به جامعه سنتی و کهن و استبداد مطلقه اعتقاد داشت و قصد ایجاد هیچگونه تحول ریشه‌یابی را در جامعه از نظر سیاسی و اقتصادی نداشت، دست به اصلاحاتی چند زد که کم و بیش راه را برای قدرت گرفتن طبقه سوداگران آماده و هموار می‌کرد.

از این پس به سبب هجوم همه جانبه سرمایه‌سالاری اروپایی و انواع کالاهای آن به بازارهای ایران و اسارت سیاسی و تاراج اقتصادی، از یکسو جریان تسلاشی مناسبات جامعه فئودال - پدر سالار و بسط مناسبات سرمایه‌سالاری در ایران تسریع شد و از سوی دیگر، رقابت خردکننده کالاهای اروپایی با تولید کارگاهی - پیشدوری ایران، طبقه سوداگران ایران را به اندیشه مقابله شدید با حکومت فئودال تساجار و سرمایه‌سالاری اروپایی انداخت.

سوداگری تجاری ایران بطور جدی می‌خواست از این مرحله بگذرد و به مرحله سوداگری صنعتی پا بگذارد. اما ارتجاع داخلی از یکسو و تاراج امپریالیستی از سوی دیگر، مانع از تحقق این اندیشه می‌گردید. بدینگونه بود که در گروه‌بندی سوداگری ایران، قشر جدیدی به وجود آمد که مشخصات سوداگری تجاری و سوداگری دلال را باهم داشت. این قشر که در واقع قشر بالای سوداگری ایران بود، علائق فراوانی در زمین داشت و بخشی از سرمایه خود را صرف خرید اراضی زراعی می‌کرد. این قشر بعدها در جریان انقلاب مشروطیت به همراه گروه فئودالها و ملاکان نقش منفی بسیار بازی کرد و در سرکوبی جنبشهای دموکرات کوشش بسیار کرد. این قشر از سوداگری ایران از یکسو به صدور مواد خام نظیر تریاک، ابریشم، پنبه، پشم، کتیرا و غیره که اکثر آنها را از

زمینهای خود به دست می آورد، به اروپا می پردازد، و از سوی دیگر محصولات کارخانه‌های اروپایی را در ایران به فروش می‌رساند.

اما در کنار این تشریح، تشریح دیگری از سوداگری ایران وجود داشت که با وجود تحمل شدیدترین فشارها از جانب ارتجاع داخلی و سرمایه‌سالاری اروپایی، هنوز برای گذشتن از مرحله سوداگری تجاری به سوداگری صنعتی تلاش می‌کرد و به ساختن راه آهن و وارد کردن و تأسیس انواع کارخانه‌ها در ایران، علاقه نشان می‌داد. این قشر ناسامیدانه در جستجوی عوامل مساعد برای تراکم سرمایه و تبدیل بازارهای محلی به یک بازار واحد ابرانشمول و اوج‌گیری سرمایه صنعتی بود. حاج امین‌الضرب مشخس‌ترین چهره در میان این قشر از سوداگری ایران بود که حتی اقدام به تأسیس راه آهن کرد و چند کارخانه صنعتی تأسیس کرد، اما ارتجاع داخلی و سرمایه‌سالاری اروپایی با تمام نیرو به سرکوب آن پرداختند.

تحولات اقتصادی - اجتماعی در این دوران در تفکر و اندیشه ایرانی نیز تأثیر بسیار نهاد. اکنون طبقه سوداگران ایران محتاج به اندیشه جدیدی بود و با مشکلاتی روبرو می‌شد که فلسفه و علم کلام [اسکولاستیک] کهن نمی‌توانست پاسخگوی آن باشد.

آخرین بازماندگان بزرگ فلسفه قرون وسطایی در دوران فتودال در قرن نوزدهم میلادی، حاج ملاهادی سبزواری و میرزا ابوالحسن جلوه بودند. سبزواری متمایل به حکمت اشراق و عرفان، و جلوه متمایل به فلسفه ارسطو [حکمت مشاه] و ابن‌سینا بود. این دو نیز در مرز آن گذار عظیم و تاریخی ایران از جامعه کهن فتودال به جامعه نوین سوداگر ایستاده بودند و مبهوت این تحول کیفی شده بودند.

اکنون فلسفه و علم کلام کهن، با مسایلی روبرو می‌شد که با کمک آموزشهای ارسطو، افلاطون، ابن‌سینا و فارابی قادر به پاسخگویی به آنها نبود. حاج ملاهادی سبزواری عمل عکاسی را «مخالف قانون و براهین علمی حکمای سلف» می‌دانست و هنگامی که عکس او را برداشتند و به او ارائه دادند، انگشت حیرت به دندان گرفت!

سوداگری نوظهور ایران که نمی‌توانست ایدئولوژی خود را در فلسفه و علم کلام کهن و جهان‌بینی مذهبی بیابد، به ناچار به جذب دستاوردهای فکری سوداگری اروپا پرداخت. بدینگونه بود که کتاب معروف دکارت گفتار در روش راه بردن خود با نام حکمت ناصریه با حکمت دیسکرت زیر نظر کنت دوگوبینو و با یاری چند تن از روشنفکران ایرانی، به زبان

فارسی ترجمه گردید و شك معروف اروپایی یا شك دکارت در ایران در اندیشه روشنفکران و متفکران، ریشه دواند.

میرزا فتحعلی آخوندزاده که يك متفکر لیبرال [هم از نظر فلسفی و هم از نظر سیاسی] و يك ماده گرای مکانیکی بود و به اصالت ماده اعتقاد داشت، کتاب مکتوبات کمال الدوله را تألیف کرد.

کنت دوکوبینو در مرز نیمه اول و نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، در ایران یا کسانی برخورد کرده بود که با او از فلسفه کانت و اسپینوزا صحبت داشته بودند و او را به حیرت انداخته بودند.

میرزا آقاخان کرمانی در يك رشته از آثار خود نظیر تکوین و تشریح و حکمت نظری و هشت بهشت، مباحث فلسفی را بر اصول خردگرایی و تجربه گرایی بنیاد نهاد و تحت تأثیر فیلسوفان تجربه گرایی و تحقیق گرا و تجربه گرای فرانسوی و انگلیسی به تشریح آراء خود پرداخت.

ملکم‌خان که درپلی تکنیک پاریس تحصیل کرده بود، برای نخستین بار علم جامعه‌شناسی و فلسفه تحفظی اگوست کنت را به ایران آورد و با تکیه بر لیبرالیسم و فلسفه تحفظی به تحلیل جامعه ایران پرداخت. بسیاری از آثار ولتر به زبان فارسی ترجمه گردید و تحولی ریشه‌دار و اصولی در اندیشه روشنفکران و متفکران ایرانی روی داد و بدینگونه، سوداگری ایران به ایدئولوژی خود دست یافت و همه چیز برای سرنگون کردن حکومت کهن و سلطه اقتصادی و سیاسی نظام نئودالیسم آماده شد.

سرانجام با شعله‌ور شدن آتش انقلاب مشروطیت ایران توده مردم ایران ثابت کرد که هرگز تن به اسارت در چنگ استبداد مطلقه و اسارت در چنگ بیگانه نمی‌دهد. همان توده مردم که از عبا و عباه و شمشیر ملا حسین بشرویه، ملا محمد علی یارفروشی، سیدیحیی داریابی و ملا محمدعلی زنجانی، به مرحله تفنگداری ستارخان و باقرخان و حیدرخان عمواغلی رسید.

معرفی مهمترین منابع

معرفی منابع به زبان فارسی و عربی

آخوندزاده، میرزا فتحعلی، الغباء جدید و مکتوبات، به کوشش حمید محمدزاده، باکو، انستیتوی علوم آذربایجان، ۱۹۶۳.

آخوندزاده، میرزا فتحعلی، مکتوبات کمال الدوله (مجموعهٔ نسخ خطی کتابخانه ملی ایران به شمارهٔ ۱۱۲۳).

آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.

آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، طهوری، ۱۳۴۶.

آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.

آقا سیدجمال بن سینا، مجموعهٔ مبارکه، تاشکند، ۱۳۳۶ ق.

آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، تهران، [بی‌نا.]، ۱۳۲۶.

آیتی، عبدالحسین، کواکب الدریه فی مآثر البهائیه، [مصر؟ بی‌نا.]، ۱۳۴۲ ق.

ابراهیمی، ابوالقاسم خان، اجتهاد و تقلید، کرمان، ۱۳۶۳ ق.

ابراهیمی، ابوالقاسم خان، تفریح الاولیاء (شرح بر ارشاد العوام)، کرمان، ۱۳۶۸ ق.

ابراهیمی، ابوالقاسم خان، رسالهٔ فلسفیه، کرمان، ۱۳۷۱ ق.

ابراهیمی، ابوالقاسم خان، فهرست کتب شیخ احمد احسایی و سایر مشایخ

عظام و خلاصهٔ احوال ایشان، کرمان، ۱۳۳۶.

احسایی، احمد بن زین الدین، جوامع الكلم، شامل ۹۹ رساله، تبریز، ۱۲۷۶

۱۲۷۳ ق.

احسایی، احمد بن زین الدین، شرح الزیاده، تبریز، ۱۲۷۶ ق.

احسایی، شیخ احمد بن زین الدین، شرح کتاب الحکمة العرشیه، تبریز،

۱۲۷۸ ق.

احسایی، احمد بن زین الدین، فوائد، تبریز، ۱۲۷۴ ق.

اشراق خاوری، عبدالحمید، تلخیص تاریخ نبیل ذرندی، [بی‌جا، بی‌نا.]،

۱۳۲۵ ق.

اشراق خاوری، عبدالحمید، رسالهٔ ایام قمه، [بی‌جا، بی‌نا.]،

- اشراق خاوری، عبدالحمید. رسالة وحدت اصنام ادیان. [بی جا. بی نا. بی تا.]
- اشراق خاوری، عبدالحمید. قاموس توفیح منبع. [بی جا. بی نا. بی تا.]
- اشراق خاوری، عبدالحمید. گنجینه حدود و احکام. [بی جا. بی نا. بی تا.]
- اصفهانى، حیدرعلی. بهجت الصدور. [بی جا. بی نا.] ۱۳۳۲ ق.
- اصفهانى، حیدرعلی. دلائل العرفان. بهیئی، [بی نا.] ۱۳۱۲ ق.
- اعتضاد السلطنة، علیقلی. فتنه باب. تهران، بابک، ۱۳۵۱.
- اعتضاد السلطنة، محمدحسن خان. المآثر و الآثار. تهران، سنایی [بی تا.]
- اعتضاد السلطنة، محمدحسن خان. حدائق التواریخ. به اهتمام محمد مشیری. تهران، وحید، ۱۳۴۹.
- اورسل، ارنست. سفرنامه اوزمل (قفقاز و ایران). ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران، زوار، ۱۳۵۳.
- باب، سیدعلی محمد. احسن القصص یا تفسیر سوره یوسف. [بی جا. بی نا. بی تا.]
- باب، سیدعلی محمد. بیان (به فارسی). (نسخه فتوکپی شده از روی یک نسخه چاپی بی تاریخ. بی جا و بی ناشر).
- باب، سیدعلی محمد. پنج شان. تهران، [بی نا.] ۱۳۸۱ - ۱۳۸۳ ق.
- باب، سیدعلی محمد. دلائل سبعة. (عربی و فارسی) [بی جا. بی نا. بی تا.]
- باب، سیدعلی محمد. صحیفه عدلیه. [بی جا. بی نا. بی تا.]
- باب، سیدعلی محمد. مختصری از دستورات بیان (به انتخاب یکی از ازلیان). [بی جا. بی نا. بی تا.]
- باب، سیدعلی محمد. نه کتاب (رساله). شرح سوره توحید، تفسیر سوره قدر، تفسیر سوره والحصر، تفسیر سوره الحمد، تفسیر سوره بقره و... [بی جا. بی نا. بی تا.]
- یامداد، مهدی. تاریخ رجال ایران. تهران، زوار، ۱۳۴۷.
- بخت آور، کمال الدین. ادیان سامی. تهران، چاپ گیلان. ۱۳۳۹.
- براون، ادوارد. انقلاب ایران. ترجمه احمد پژوه. تهران، معرفت، ۱۳۳۸.
- براون، ادوارد. مقدمه بر کتاب نقطه الکاف اثر حاجی میرزا کاشانی. لیدن، ۱۹۱۰.
- براون، ادوارد. یکسال در میان ایرانیان. ترجمه ذبیح الله منصوری. تهران، معرفت، ۱۳۳۴.
- بهاء الله، میرزا حسینعلی. آثار قلم اعلی (شامل چند رساله نظیر هفت وادی، جواهر الاسرار، چهار وادی، مثنوی، قصیده و رقائیه). [بی جا. بی نا. بی تا.]

بهاء الله، میرزا حسینعلی. ادعیه. مصر، [بی.نا.] ۱۳۳۹ ق.
 بهاء الله، میرزا حسینعلی. اشراقیات (به همراه چند اثر دیگر). [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]

بهاء الله، میرزا حسینعلی. افتخادات. [بی.جا. بی.نا.] ۱۳۱۰ ق.
 بهاء الله، میرزا حسینعلی. اقدس. یحیی، [بی.نا.] ۱۳۱۴ ق.
 بهاء الله، میرزا حسینعلی. الواح بعد اقدس. یحیی، [بی.نا.] ۱۳۱۴ ق.
 بهاء الله، میرزا حسینعلی. در پیرامون تمدن و ترقی و ملیت. [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]

بهاء الله، میرزا حسینعلی. کتاب مبین (سوره سیکل). یحیی، [بی.نا.] ۱۳۴۸ ق.
 حاجی میرزا جانی کاشانی. نقطه الکاف. با مقدمه ادوارد براون، لندن، ۱۹۱۰.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. فادسنامه ناصری. تهران، سنابین [بی.تا.]
 خورموجی، محمد جعفر. حقایق الاخبار ناصری. به کوشش حسین خدیوچم. تهران، زوار، ۱۳۴۴.

دولت آبادی، یحیی. حیات یحیی. تهران، ۱۳۳۰.
 دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران، سازمان لغت نامه، ۱۳۲۵.
 رشتی، سید کاظم. دلیل المتحیرین. ترجمه میرزا رضی [بی.جا. بی.نا.] ۱۲۶۱ ق.
 رشتی، سید کاظم. شرح آیه الکرسی. تبریز، [بی.تا.] ۱۲۷۱ ق.
 رشتی، سید کاظم. شرح خطبه طنجه. تبریز، [بی.تا.] ۱۲۷۰ ق.
 زعیم الحکماء، میرزا مهدی خان. مفتاح باب الابواب. تهران. [شمس؟ بی.تا.]
 سلیمانی، عزیز الله. مصابیح هدایت. تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری (بهائی). ۱۳۲۳ ق.

شوقی افندی. فن بدیع. ترجمه نصر الله مودت [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]
 شیخ عبدالله. رساله شرح احوال شیخ احمد احسائی. ترجمه محمد طاهر، یحیی، ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰ ق.

عبدالبها. (عباس افندی). خطابات در اروپا و آمریکا. [مصر؟ بی.نا.] ۱۳۴۰ ق.

عبدالبها (عباس افندی). رساله میاسیه (نسخه خطی).
 عبدالبها (عباس افندی). مقاله سیاح. [بی.جا. بی.نا.] ۱۳۰۸ ق.
 عبدالبها (عباس افندی). مکاتیب. مصر [بی.تا.] ۱۳۲۸ - ۱۳۴۰ ق.
 عزیزه خانم. رساله تئیه النائمین (به همراه چند رساله کوتاه از بابیان اولیه و ازلیان) [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]

فاضل قائینی، دروس المدیانه، [بی جا، بی نا، بی تا].

فاضل مازندرانی، شیخ اسدالله، امر وخلق، [بی جا، بی نا، بی تا].

فاضل مازندرانی، شیخ اسدالله، ظهورالحق، تهران، [بی نا، بی تا].

قرون، میرزا علی اکبر، اصول تدبیر دروس اخلاقی، تهران، [بی نا، بی تا]، ۱۳۱۰.

شاهی، محمدرضا، تحولات فکری و اجتماعی در جامعه قجودالی ایران،

تهران، گوتنبرگ، ۱۳۵۴.

شاهی، محمدرضا، مقدمه ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، تهران، گوتنبرگ،

۱۳۵۴.

قره العین، دو رساله در جواب ملا عبدالطی و حاجی محمد کریم خان کرمانی و

ملاجواد قزوینی، (ضمیمه کتاب ظهورالحق)

کرمان، هائری، مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی، ترجمه فریدون بهمنیار،

تهران، چاپ تابان، ۱۳۳۶.

کرمانی، محمدخان، شرح الهدیثین، بمبئی، [بی نا، بی تا]، ۱۳۱۲ ق.

کرمانی، محمدخان، کتاب المبین، [بی جا، بی نا، بی تا]، ۱۳۰۵ - ۱۳۲۴ ق.

کرمانی، محمد کریم خان، اشدالعوام، کرمان، [بی نا، بی تا]، ۱۳۵۵ ق.

کرمانی، محمد کریم خان، الفطره الطیبه، تبریز، [بی نا، بی تا]، ۱۳۱۰ ق.

کرمانی، محمد کریم خان، طریق النجاة، [بی جا، بی نا، بی تا]، ۱۳۴۳ ق.

کرمانی، محمد کریم خان، فصل الخطاب، تهران، [بی نا، بی تا]، ۱۳۰۲ ق.

کرمانی، میرزا آقاخان، رساله ماشاءالله در رد رساله انشاءالله تألیف

حاج محمد کریم خان کرمانی، تهران، مطبعه

فاروس، [بی تا].

کرمانی، میرزا آقاخان، هشت بهشت، با همکاری شیخ احمد روحی به کوشش

م. ه. تهران، [بی نا، بی تا].

کرمانی، میرزا آقاخان، هفتاد و دو ملت، به کوشش محمدخان بهادر، برلین،

[بی نا، بی تا].

کسروی، احمد، بهائیکری، تهران، آتودپات [بی تا].

کسروی، احمد، نادرین مشروطه ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۱.

کسروی، احمد، دوده کامل زندگانی من، تهران، باعداد آزادگان، ۱۳۴۸.

کیایی، سید حسین، بهائی از کجا و چگونه پیدا شد؟ تهران، [بی نا، بی تا]، ۱۳۵۳.

گوپینو، کنت دو، مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی، ترجمه م. ف. تهران،

[بی نا، بی تا].

لسان الملك سپهر، محمدتقی خان، ناسخ التواریخ، به کوشش محمد باقر

- بهبودی، تهران، اسلامیة، ۱۳۴۴.
- مجددالملک، میرزاحمودخان، (ساله مجدیه، بد کوشش سعید نفیسی، تهران، [بی.نا.]، ۱۳۲۱.
- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران، اقبال، ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵.
- مدرسی چهاردهمی، مرتضی، شیخینگری، بایبگری، تهران، فروغی، ۱۳۵۱.
- مصطفوی تبریزی، حسن، محاکمه و بررسی در تاریخ و عقاید و احکام باب و بهاء، تهران، اسلامی، ۱۳۴۳.
- ملک‌زاده، مهدی، انقلاب مشروطیت ایران، تهران، ابن‌سینا [بی.تا.] مؤمنی، محمدباقر، ایران در آستانه انقلاب مشروطیت، چاپ دوم، تهران، صدای معاصر، ۱۳۵۰.
- نبیل زرنندی، تاریخ نبیل زرنندی، [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]
- نوابی، عبدالحسین، مجموعه مقالات درباره بایبان و بهائیان (ضمیمه کتاب فتنه باب اثر اعتضادالسلطنه)، تهران، بابک، ۱۳۵۱.
- نیکو، حسن، فلسفه نیکو، تهران، فراهانی، ۱۳۴۳.
- نیکلا، آ. ل. م.، تاریخ سیدعلی محمد باب، ترجمه ع. م. ف.، اصفهان، [بی.نا.]، ۱۳۲۲.
- واتس، رابرت گرنٹ، تاریخ قاجادیه، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- هدایت، رضاقلیخان، روضه‌الصفای ناصری، تهران، [بی.نا.]، ۱۲۷۳ ق.
- یزدانی، احمد، جواب پادیهی شبهات، تهران، [بی.نا.]، ۱۳۴۰.
- یزدانی، احمد، نظر اجمالی در دین بهائی، [بی.جا. بی.نا. بی.تا.]

معرفی منابع به زبانهای اروپایی

- ABDOLBAHÂ. *Causerie d'Abdul - Bahâ. Recueil des Causerie données à Paris par Abdul-Bahâ en 1911.* trad. - Paris, imp. Ch. Raffestin et Cie, 1961.
- ABDOLBAHÂ. *Les lecons de Saint Jean d'Acre, recueillies par Laura Chiford Barney, traduit du persan Hippolyte Dreyfus - 2^e edition revue et augmentée - Paris, E. Leroux, 1908.*

— 2^e édition, Paris, E. Leroux, 1929,

— 3^e édition, Paris, P. U. F., 1954.

ABDOLBAHĀ. *L'Unité de Conscience, base de la paix universelle. Extrait d'une lettre...* Genève, Bureau International Bahai, 1978.

Abdoul - Behā et la Situation. Lettre d'Abdoul - Behā. Lettre de Mirza Ghaffar Zenouzi. Traduit par Ghilan (in: R. M. M., t. 21, 1912, pp. 261 - 276).

ABOLHAMD, A. et PAKDAMAN, N. — *Bibliographie Française de Civilisation Iranienne.* 3. Volumes. Tehéran, presse Universitaires de Tehéran, 1972-1974.

Affaire des Bahai (in: Confluent, decembre 1963, pp. 268-986).

ARAKELIAN, H. — *Le babisme en perse.* Mémoire présenté au Congrè international de l'histoire des religions dans la séance du 5 Septembre 1900 (in: R. H. R., t. 43, 1900, pp. 333 - 334).

BĀB, seyyed Ali Mohammad. *Le Beyan persan.* Traduit du persan par A. L. M. Nicolas — Paris, Geuthner, 1911-1914, 4 vol.

BĀB, Seyyed Ali Mohammad. — *Le livre de sept preuves de la mission du Bab.* Traduction par A. L. M. Nicolas. — Paris, Maisonneuve, 1902.

BĀB, Seyyed Ali Mohammad. Seyyed Ali Mohammad dit he Bāb — *Le Beyān arabe, le livre sacre du Babysme.* Traduit de l'arabe par A. L. M. Nicolas — Paris, E. Leroux, 1905.

BAHA'OLLAH. *Foi mondiale Baha'ie, le cycle prophétique et clos, l'éternelle Vérité est maintenant apparue* (Ecrité de Baha'Ollah I. La religion Universelle, avant Propos par shoghi — Effendi)

— Paris, Assemblée spirituelle des Bahá'ís de Paris, 1950).

BAHA'OLLAH. *Les paroles cachées* (Kalemate Makouné FarsiYo) [de] Bahaou'llah. Traduction française par Hipp Dreyfus et Mirza Habib Chirazi - Paris, E. Leroux, 1905.

BAHA'OLLAH. *L'ourve de Bahaou'llah*. Traduction française par Hipp. Dreyfus. - Paris, Ernest Leroux.

t. I *la très sainte tablette. Les parole cachées. Les sept vallées du voyage vers Dieu - La lettre sur le Bayan*, 1923.

t. II. *Le temple de Dieu. La lettre aux souverains*. 1924, 163 p.

t. III. *le livre de la Certitude*, 1928.

2^e édition - Paris, P.U.F., 1965, 147 p.

BAHA'OLLAH. *Extrait des écrits de Baha'Ollah*. Traduit par shoghi Effendi - Paris, Assemblée spirituelle des Bahá'ís de Paris, 1949.

BAHA'OLLAH. *Ketab - Aghdas (Al - Kitâbol agdas) ou livre saint du Baha'Ollah (enseignements et lois)*, traduit par Derakhchan (Monir) avec Pa collaboration française de E. Ouvry - Berne, Bureau Bahai pour l' Europe, S. d. [1964 ou 1965].

BAHA'OLLAH. *L'épître au fils du loup (de) Bahaou'llah*. Traduction française par Hippolyte Dreyfus, - Paris, Cahmpion, 1913.

BAHA'OLLAH. *Les Preceptes du behaïsme. (Les Orements, Les Paroles du Paradis, Les splendeurs, Les Révélation)*. Traduit du Persan par Hipp. Dreyfus et Mirza Habib - Ullah Chirazi - Paris, E. Leroux, 1905.

www.golshan.com

- BALTEAU, J.-Académie Nationale de Reims. *Le Babysme, Lecture faite par M. J. Balteau... a la séance du 12 mai 1896 - Reims, imp. de L'Académie. 1897 - m 8°. 28 p.*
- BALYUZIE, H. M. - *E. G. Browne, and the Bahai Faith.* London, 1930.
- BELLECOMTE, A. de. *Une reformatrice contemporaine: la belle Kourret-Oul - Ain ou la lumière des yeux (de la secte des Babis en perse)* (in: *L'Investigateur, Journal de l'Institut historique de France*, t. 10, 1870, pp. 161-181).
- BERGER, Peterti. *Motif messianique et processus social dans le Bahaisme* (in: *Archive de Sociologie des Religions*, 2^e année, n°4, Juill - des. 1957, pp. 93-107).
- BONZON. *L'Asie mystique, Le Babysme* (in: *R. Chrétienne*, 4, 1896, pp. 25-31).
- BROWNE, E. G. *A Traveller's Narrative, written to illustrate the episode of the Bab.* Edited in the original Persian and into English, with an introduction and explanatory notes, by Edward G. Browne, Cambridge University press, 1891.
- BROWNE, E. G. *A Year Amongst the persians.* London, 1893.
- BROWNE, E. G. *Kitab- I -Nuqtatul' - Kaf. Being the earliest History of the Babis.* Compiled by Hajji Mirza Jani of Kashan Between the Years A. D. 1850 and 1852
 Edited from the Unique Paris MS. Suppl. Persan-1071.
 Leyden; E. J. Brill, Imprimerie Orientale. 1910
- BROWNE, E. G. *The Babi religion; Materials for the Study of the Babi religion, 1918.*

- BROWNE, E. G. *The Tarikh- E -Jadid, or new history of Mirza Ali Mohammad the Bab by Mirza Husseyn of Hamadan*. Bab by Mirzæ HusseYn of Hamadan. Translated from the Persian by Edward G. Browne, 1893.
- BROWNE, E. G. *Une serie d'article dans Journal of the Royal Asiatic Society*.
- C(G. L.) *Le Bahaisme* (presse israelienne) (in: A. D., n°2524, 31 octobre 1952, pp. 12-13).
- CHAHINE, Abd. Al-Hamid. *La Secte des Bahais* (presse de Libye) (in: A. D., n° 031, 16 mars 1954, pp. 9-11).
- CHIROLE, V. *The Middle Eastern Question, Some Political problems of Indian Defence*.
- CORBIN, H. *L'Ecole shaykhie en theologie shiite*. Paris. Extrait de l'annuaire 1960-1961.
- Dreyfus, Hippalyte. *Essai sur le Behaisme. Son histoire, sa portée sociale par...* Nouvelle édition comprenant le but d'un ordre mondial (Extraits par shogli Effendi), l'Economie mondiale de Bahau-llah (extraits par Morace MolleY).-Paris, Ernest Leroux, 1937.
- 1ère édition, 1909, Paris, E. Leroux.
- 3ème édition, 1962, Paris, Presses Universitaires de France.
- DREYFUS, H. *Le Behaisme Conference faite le 23 mai 1908, par...* Préface de M. Eduvard Herriot. Une nouvelle religion, ses origine; le Babism. Persécution et marthYrs, aspirations univorsalistes. La moral Bahai, le Béhaïsme et la Mission laique française-Lyon, imp. Réunies, 1911.
- DREFUS, H. *Le Babisme et la Behaisme, Conference*

faite le 1er mars 1904 a l'École des hautes études sociales-Paris, 1907.

- DREYFUS, H. *Une institution behaite; Le Machre? oul Azkar d (Ach?abad)* (in; Mel. H. Derenbourg, P. 415-493).
- ESSLEMONT, J. E. - *Baha' Ollah et l'ère nouvelle, Par, J.E.E...* traduit par Juliette Rao—Geneve, Bureau international Bahai, 1932-2^{eme}, édition; 1951. Bureau internat.
- GOBINEAU, Cte. A. de. *La captivité et la mort du Bab* (in; la R. hebdomadaire, t. 48, 1896, PP. 441-458).
- GOBINEAU, Cte. A. de. *Les religions et les Philosophie dans l'Asie centrale.* Paris. 1865.
- HOLLY, H. *L'économie mondiale de Bahullah*, traduit Par Gabriel de Hons. Paris, E. Leroux.
- HUART, C1.- *Le babisme et le behaisme, d'après l'ouvrage de Browne; Materials For the study of Babi Religion* (in; J. s., nov. - dec. 1918, pp. 312-320).
- HUART, C1. *Le religion de Bab, essai de reforme de l'islamisme en perse au XIXe. stecle* (in; R. H. R., t. 18, 1888, pp. 279-296).
- HUART, C1. *Notes sur trois ourages babis* (in; Y .A., 1887, pp. 133-144).
- IVANOV, M. S. *Le mouvement des Badistes en Iran 1848-1852.* Academie des Sciences de USSR. 1939.
- KASTER, H.C. *Le mouvement religieux en Iran* (Presse iranienne)(in; A.D. n°0257, 15 Sept. 1955, pp. 10-12).
- LEMAITRE, S. *Une grande figure de l'Unité, Abdul-baha.- paris, A. Maisonneuve. 1952.*

LENOIR, R. *Islam et Bahisme* (in: R. de Synthèse, t. 78, 1957, pp. 471 — 477).

Mesures, (les) Bahais en Iran (Presse Iranienne) (in: A. D., n° 0220, 16 Juin 1955, pp. 11 — 12).

MONNIER, Cl. *Le dossier du procès Nadar* (in: Journal de Genève, 19/4/1963).

MONTEP (Ed.). — *Babisme et Behaïsme; un essai de réforme de Islam* (in: Ed. Montet; Etudes orientales et religieuses. Mémoires publiés à l'occasion de la 30^e année de professorat de Ed. Montet, 1917).

♂ MIRZA KAZEM BEG. *Bab et les babis, dans les soulèvements politique et religieux en perse de 1845 à 1853* (in: J. A. t. 6, 1866, pp. 329 — 389, pp. 547—522, t. 8, 1866, pp. 196—252, pp. 357—400).

NAJMAJER, Meïle. *Courret ul'Eyn* (in: R. B., october 1875, p. 523).

NICOLAS, A. L. M. *A propos de deux manuscrits Babis* (in: R. M. R., t. 47, 1903, pp. 59 — 73).

♂ NICOLAS, A. L. M. *Le Bab astronome* (in: R. H. R., t. 64, 1936, pp. 99 — 101).

♂ NICOLAS, A. L. M. *Le Dossier russo - anglais de seyyed Ali Mohammad dit le Bab* (in: R. M. M., t. 14, mai, 1911, pp. 357 — 364).

♂ NICOLAS, A. L. M. *Les behais et le Bab* (in: J. A., t. 222, 1933 pp. 257—267).

♂ NICOLAS, A. L. A. *Les behais et le Bab* (in: J. A., t. 222, 1933 pp. 257—267).

♂ NICOLAS, A. L. M. *Massacre de Babis en perse*. Paris, A. Maisonneuve, 1936.

♂ NICOLAS, A. L. M. *Quelques documents relatif au babisme* (in: J. A. t. 224, 1934, pp. 107—142).

- ✧ NICOLAS, A. L. M. *Qui est le successeur de Bab* — Poitiers, Société française d'imprimerie et de librairie, Paris, Librairie d'Amérique et d'Orient, Ardion Maisonneuve, 1933.
- ✧ NICOLAS, A. L. M. *Seyyed Ali Mohammad, dit le Bab, son histoire.* — Paris, Dujarric, 1905.
- ✧ NICOLAS, A. L. M. *Sur la volonté primitive et l'essence divine d'après le Bab* (in: R. H. R., t. 55, 1907, pp. 208—212).
- ORSOLLE, E. *Le Caucase et le Perse.* — Paris, Plon, 1885.
- OTTAVI, P. *Le Babisme* (in: La Grande Encyclopédie Française. t. 4, Paris, Larousse).
- S, E. — *Les Trois prophètes* (in: Les Echos, 27 Sept., 1933).
- SAINT QUENTIN, A. de. *Un amour au pays des mages (les mystères de Babysme).* — Paris, Cl. Lèvy, 1891. Nouvelle édition; 1891.
- SACY, G. *Du regne de Dieu et de l'Agneau connu sous le nom de babysme.* Le Gaire, l'auteur, 1902.
- SENES, H. *Un aperçu sur la secte des babis* (in: Proche Orient Chrétien, 1955, pp. 346—349).
- SHOGI AFANDI. *Le But d'un nouvel ordre mond et. Lettre aux bienaimés de Dieu et aux serviteurs du Miséricordieux dans tout l'Ouest.* Traduit Par léon Karakchia — Paris, 1936.
- SHOGI AFANDI.— *La dispensation de Bahau lleh, par...* traduction de léon Karakchiaq. Toulouse, imp. de F. Boisscau, 1947.
- SHOGI AFANDI. *Vers l'apogée la race humaine* — Paris, E. Leroux, 1937.
- TABARI, E. *Les mouvement idéologique et social en*

Iran. 2 Volumes. 1970 et 1975.

TAG, Abd El. Rahman. — *Le Babisme et l'Islam* (recherche sur les origines du Babisme et ses rapports avec l'Islam). Paris, L. G. D. J., 1942.

WATSON, R. G. *A History of the persia from Beginning of Nineteenth Century of the year 1850*. London, 1866.

فہرست راہنما

الف

- ابراہیم خان ظہیر الدولہ: ۱۹۷، ۱۳۹،
۱۵۲
ابراہیم قزوینی: ۶۱
ابن الاثیر: ۱۷، ۵۰
ابن العربی: ۶۸، ۹۳
ابن جوزی: ۷۲؛ ~ تذکرہ: ۷۲
ابن سینا: ۲۵، ۵۰، ۶۶، ۸۱، ۹۳،
۱۶۸
ابن طولون: ۷۲؛ ~ الانمۃ الاثنی عشر
۷۲
ابوالخطاب محمد الاسدی: ۷۰
ابوالعلاء معری: ۷۶؛ ~ مسالۃ المغفران
۷۶
ابوالفضل کاشانی: ۱۵۳
ابوالقاسم [امام جمعہ]: ۱۱۷
ابوالقاسم حجۃ بن الحسن — حجۃ ابن-
الحسن
ابوالقاسم کاشانی: ۱۵۳
ابوبکر: ۶۱ نیز نگاہ کنید بہ خلفای
راشدی
ابوذر غفاری: ۶۵
ابوریحان بیرونی: ۲۵، ۶۶
ابوسلیمان منطقی سجستانی: ۸۱
اپیکور: ۱۴۷
اتابک اعظم — امیر کبیر
اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی: ۱۶۴

آ

- آبادہ: ۳۳
آبوت: ۴۴
آخوندزادہ، میرزا فتحعلی: ۱۵۷،
۱۵۸، ۱۶۹؛ ~ مکتوبات کمال-
الدولہ: ۱۶۹
آدم: ۹۷، ۹۸
آذربایجان: ۱۰۷، ۱۷۰، ۱۴۴، ۱۴۳،
۱۴۱؛ ~ انقلاب مشروطیت: ۱۴۱
آرامی ہا: ۱۰۲، ۱۱۲
آراء اہل المدینۃ الفاضلہ [فارابی]: ۱۰۴
آرمان شہر، ~ مدینۃ فاضلہ
آرنولد [کنل]: ۱۶۱
آریایی: ۹
آسیا: ۱۰، ۲۷، ۱۲۳
آشور، آشوریان: ۱۷۶، ۹۶
آغامحمدخان قاجار: ۳۱، ۳۵
آلمان، آلمانی: ۱۰۴، ۱۶۰
آلبینی [لرد]: ۱۶۴
آقاخان بیک کاشانی: ۸۹، ۱۵۲؛ نیز
نگاہ کنید بہ حاضر السلاح
آقاخان کرمانی: ۱۵۷، ۱۶۹؛ ~
تکوین و تشریح: ۱۶۹؛ ~ حکمت
نظری: ۱۶۹؛ ~ ہشت بہشت
۱۶۹
آقاخان محلاتی: ۱۶۳
آئی لوینلو: ۲۷، ۷۱

- اترك [رود]: ۲۵
 الاحساء: ۵۷
 احسانی، شیخ احمد: ۵۷، ۷۰، ۷۳
 ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۴۰: ~ ارتباط
 با امام غایب ۶۴؛ زندگی و آثار
 ۵۷، ۶۲: ~ جوامع الكلم ۶۲
 ۷۲: ~ حیات النفس ۷۳: ~
 تشریح الزیاده ۶۱
 احسن القصص - تفسیر سورة یوسف
 احمد کاتب: ۱۵۱
 احمد کاشانی: ۱۱۷، ۱۵۲
 احمد لر: ۷۱
 اخباریون: ۵۰
 اخنوخ - ادریس
 اخوان الصفا: ۶۶، ۸۱، ۹۳، ۹۶
 ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴
 ادرنه: ۱۵۲
 ادریس [نبی]: ۵۹، ۶۷
 اراك: ۴۳
 اردبیل: ۳۵
 ارسطو: ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۶۶، ۱۶۸
 ارض طاب - تهران
 اروپا، اروپایی: ۲، ۳، ۱۰، ۱۳
 ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۴۲
 ۴۴، ۴۶، ۵۰، ۱۰۳، ۱۰۷
 ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۶۰
 ۱۶۷، ۱۶۸: ~ انفالیات
 بودژوایی ۲۷، ۴۱: ~ غربی
 ۲، ۱۰۷: ~ فتودالیسم - قانون
 سرواز ۱۴
 زلی، ازلیان: ۳، ۸۷، ۱۵۷، ۱۶۴
 ~ رابطه با انگلیسی ها نیز نگاه
- کنید به صبع ازل
 اسپانیا: ۱۹
 اسپینوزا: ۸۵
 استانبول: ۶۷
 استخری ۶۷
 استرآبادی، محمد جعفر: ۶۱
 اسدالله دیان تبریزی: ۱۵۱: ~ ادعای
 پیغمبری ۱۵۱
 اسدالله خان میرآخور: ۱۳۰
 اسرار التوحید: ۲۷
 الاسراء الى المقام الاسرى: ۷۵
 اسکندر: ۱۰
 اسکندریه [بندر]: ۱۵۹، ۱۶۳
 اسکو: ۱۳۱
 اسکولاستیک: ۲۶، ۷۸، ۱۴۸، ۱۶۸
 ~ اسلامی ۲۶، ۷۸
 اسلام، اسلامی: ۲، ۱۰، ۲۸، ۶۰
 ۶۷، ۶۸، ۷۷، ۸۰، ۹۳
 ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۴۲
 ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۶۲: ~ و
 اعراب ۱۰-۱۲: ~ در ایران
 ۱۰، ۱۶: ~ قرن سوم - شورش
 بردگان ۱۸
 اسماعیل بن جعفر صادق ۶۹ نیز نگاه
 کنید به اسماعیلیان
 اسماعیل قمی [ملا]: ۱۱۷
 اسماعیلیان، اسماعیلیه: ۶۶، ۶۸، ۶۹
 ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱
 ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۴۴
 ۱۶۴: ~ الموت ۷۷: ~ و
 شیخیه ۶۸
 السياسات مدینه [فارابی]: ۱۰۴

- اشراق - حکمت اشراق
اشکانی، اشکانیان: ۱۹، ۲۰، ۲۱
اشعری، اشعریان: ۲۶، ۲۸، ۲۹
اصنهان: ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۶۰
۸۶، ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۶۱
اصوليون: ۵۰، ۶۰، ۶۲، ۷۹
اعتضاد السلطنه [مورخ]: ۱۱۷، ۱۲۲
۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۴۳
اعتماد السلطنه: ۱۴۱
اعراب، عربی: ۹-۱۵، ۲۳، ۲۴
۵۷، ~ ظهور اسلام ۱۰-۱۲
~ مالکیت ارضی: اقطاع، تیول،
سیورغال، وقف ۱۱-۱۵
افریقا: ۲۷
افشار، افشاریه ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۳۱
۳۵، ۱۳۹
افغانستان: ۳۲
افلاطون: ۲۴، ۲۵، ۶۸، ۷۸، ۸۰
۹۴، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۶۸ ~
جمهوری ۱۰۳
اقتدادات [بهاء الله]: ۱۵۴
اقدس [بهاء الله]: ۱۵۴، ۱۵۵
اقلیم سامان - مثل
کمال الدین [شیخ صدوق]: ۷۲
اگوستین قدیس: ۲۳، ۲۵، ۱۰۳ ~
شهر خدا ۲۵
الکساندر اول [امپراتور روسیه]: ۳۲
الموت [قلعه]: ۷۷
الواج [بهاء الله]: ۱۵۴
الهیات شیعه: ۶۳
امام همام ابی عبدالله حسین - حسین
میلانی
- امویان ۲۳، ۲۴ نیز نگاه کنید به
خلفای اموی
امیر کبیر: ۸۷، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۲۶
۱۶۷، ~ اصلاح گر اشراقی
۸۷، ۱۶۷ ~ آزار بایان ۱۱۷
ام هانی: ۷۹
امین الدوله: ۳۸
امین الضرب: ۱۶۸
انجیل: ۸۶، ۹۸
اندیل [روپتا]: ۱۴۱ ~ شورش
روستاییان ۱۴۱
اندرمانی، ملامحمد: ۵۱
انقلاب کبیر فرانسه: ۲۷، ۵۲
نیز نگاه کنید به فرانسه
انگلستان، انگلیسی: ۳، ۱۹، ۲۷
۳۲، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۱۵۸
۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۹ ~ وازلین
۱۶۴ ~ و بهائیان ۱۶۱،
۱۶۵
اوحد الدین کرمانی: ۷۵ ~
مصباح الادواح ۷۵
اولیفند، لارنس: ۱۶۳
اهربمن: ۷۲-۷۵
اهورامزدا: ۷۲، ۷۴، ۸۰
ایران، ایرانیان در اغلب صفحات؛
~ تأثیر انقلاب بورژوازی اروپا
۲۷: ~ حمله مغول ۱۷: ~
سیر تفکر ۲۰-۲۷: ~ آتئیسم
۲۰، ۲۲: ~ آیین زرتشت ۲۱:
~ مراحل سیر تفکر ۲۴: ~
دوره اسلامی ۲۴: ~ مرحله
میانه: ۲۶: ~ در سراسیم

~ الهیات ۹۶؛ بینانهای
 ایدئولوژی ۹۲؛ ~ توبه‌نامه
 ۷۸ ~ خدای‌باب ۹۷؛ ~
 دلائل سبعة ۹۱؛ ~ زندگی و
 آثار ۱۸۵، ۱۹۱ ~ معاکه ۸۷،
 ۱۳۴؛ ~ ویژگی جنبش باب ۹۱
 ۱۴۷، ۱۴۷؛ ~ احسن القصص ۹۱
 ~ بیان ۱۱۶، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۸،
 ۱۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹
 ۱۱۳، ۱۳۳؛ ~ پنج‌شان ۹۱
 ۱۹۷، ۱۰۰ ~ رسالة
 بسیط‌الحقیقة ۹۱؛ ~ سلمة
 ثمانیه ۹۱؛ ~ شرح‌سورة توحید
 ۹۱؛ ~ صحیفة عدلیه ۹۱؛ ~
 قدوس‌الاسماء ۹۱

بابل ۱۲۰-۱۲۲

بابلیان ۹۳

بابوف، امیل ۱۰۷

بابی، بابیان ۴۰۲، ۱۱۱، ۱۱۵

۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴

۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۲

۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰

۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۱-۱۶۳؛ ~

آثار نویسندگان اروپایی در باره
 بابیان ۲، ۳؛ اجتماع دشت

بدشت ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۳۶

~ اشتباهات رهبران ۱۴۲؛

~ اشتراك اموال ۱۴۶، ۱۶۲؛

~ اشتراك زنان ۱۴۶؛ ~

انشعاب ۱۵۱؛ ~ جنبش ۴،

۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۹؛ ~ جنبش

در مرحله اعمال قهر ۱۲۱؛ ~

انحطاط ۲۷؛ ~ - عرفان و

تصوف ۲۶؛ ~ - دیالکتیک

۲۰، ۲۲؛ ~ - شکاکیت ۲۷؛

~ - لذت‌گرایی؛ ~ - لادریت

۲۷؛ ~ - مزدایی ۲۱؛ ~ -

مهرپرستی (میترائیسم) ۲۱؛

~ مسالکیت ارضی ۳۶؛ ~

مناسبات تولیدی ۹-۱۹؛ ~

نظام طبقات ۱۹، ۱۰؛ ~ نظام

کاست ۱۹، ۱۰، ۲۱؛ ~ نفوذ

استعمار ۱۹، ۳۲؛ ~ نفوذ

روسیه‌تزاری ۳۳؛ ~ در نیمه

اول قرن نوزدهم ۲۹، ۵۳؛ ~ -

ایلات و عشایر ۳۵؛ ~ -

بازرگانی و پیشه‌وری و صنایع

۱۴۲، ۱۸۲؛ ~ تکالیف روستایی

۱۳۹، ۴۰؛ ~ روحانیون ۳۸،

۵۳؛ ~ روستائیان ۳۴، ۳۶

~ زمین‌داری ۳۱؛ ~ گروه

بندی اجتماعی ۲۹، ۴۱؛ ~ -

مالیاتها ۳۶؛ ~ - موقعیت

اقتصادی ۲۹

ایقان [بهاء‌الله]: ۱۵۴

الائمة‌الاشعی عشر [ابن طولون]: ۷۲

ایوانف، م. س. ۴

ب

باب، سیدعلی محمد: ۲۱، ۸۵، ۹۲

۹۶، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۰

۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰

۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۰

۱۶۱؛ ~ آیین باب یا العباد

رسمی ۸۳؛ ~ اشتباهات ۱۴۲

- جنبش در مرحله مسالمت آمیز
 ۱۱۱۷ ~ جنبشهای سیاسی و
 اجتماعی ۱۱۱۵؛ ~ قاعه شیخ
 طبرسی ۱۲۱؛ ~ سوه تصد به
 ناصرالدین شاه ۱۲۹ ~ شورش
 زنجان ۱۲۴؛ ~ شورش نیریز
 ۱۲۶؛ ~ سرانجام ۱۵۰؛ ~
 دخالتهای دول اروپایی ۱۶۱؛
 ~ شهدای سبه ۱۱۹؛ ~ علل
 شکست جنبش ۱۳۷؛ ~ قتل عام
 ۱۲۹، ۱۳۵؛ سه کعبه ناکجا آباد
 ۱۱۱؛ ~ کمونیستهای اروپایی
 ۱۶۳ ~ کمونیستهای مسلح
 ۱۶۲؛ ~ واقعه تهران ۱۱۷
- بازفروش - بابل
 باقر [حاج میرزا]: ۸۷
 باقرخان: ۱۶۹
 بحرین: ۵۷
 بخارا، بخارایی: ۴۵، ۴۶
 بختیاریهها: ۳۵
 براون، ادوارد: ۴، ۳، ۴، ۱۴، ۱۵۹، ۱۶۳
 برقی، علی بن محمد: ۱۸
 برمائیدس: ۲۴
 بزرگ کرمانشاهی: ۱۵۳
 بسطام: ۱۲۱
 بشرویه، حسین: ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶
 ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۰
 ۱۶۹ ~ شورش در قلعه شیخ
 طبرسی ۱۲۱
 بصره: ۵۹
 بغداد: ۱۵، ۱۶، ۱۶۲، ۷۰، ۱۱۵
 ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۳؛ ~ جمعیت
- بازرگانی در قرن دهم ۱۵
 بقره [سوره]: ۹۲
 البلدان [یعقوبی]: ۱۵
 بلخ: ۱۷
 بلوچستان: ۱۳۹
 بلوچها: ۳۵
 بمبئی: ۴۴
 بندوا: ۲۱ نیز نگاه کنید به زرتشت
 بندهشن: ۷۱
 بوشهر [بندر]: ۸۵، ۸۶
 بهادران [فدج]: ۸۹
 بهائی، بهائیکری: ۲، ۳، ۸۷، ۱۵۲،
 ۱۶۰؛ ~ عقاید اجتماعی و
 سیاسی ۱۵۵
 بهاء الله، میرزا حسینعلی: ۱۵۲
 ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲
 ۱۶۳؛ ~ ادعای پیغمبری ۱۵۴؛
 ~ تصویر شخصیت ۱۶۰؛ ~
 عقاید و افکار ۱۵۴؛ ~ اقتدارات
 ۱۵۴؛ ~ اقدس ۱۵۵؛ ~
 ایقان ۱۵۴؛ ~ گنجینه احکام
 ۱۵۵، ۱۵۶
 بهاء الدین ولد: ۱۷
 بهجت الصدوق [حیدر علی اصفهانی]: ۱۳۹
 بیارجمند: ۱۲۱
 بیان [باب]: ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۸، ۹۹
 ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۰۰، ۱۰۳
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۵۱
 بیدگل [قصبه]: ۳۵
 بیرجند: ۴۳
 بیروت: ۱۵۹
 بیرونی، ابوریحان - ابوریحان بیرونی

- بیزانس: ۲۰
پ
پارتها: اشکانیان
پاریس: ۱۶۹، ۴
پالرستون [لرد]: ۱۶۲
وات سعید: ۱۵۹
پر تقال: ۱۹
پر کلس: ۲۴
پلا کیوس: ۲۳
پنج شان [باب]: ۱۰۰، ۹۷، ۹۱
پویر، کارل: ۱۴۸
پولاک [دکتر]: ۴۴
پولس قدیس: ۱۰۳
ت
تاتار: ۳۵
تاهوتی: ۶۷
تایمز [رود]: ۱۶۵
تیریز: ۱۶۱، ۱۴۴، ۸۹، ۸۷، ۴۳
تذکره [ابن جوزی]: ۷۲
تر کمن، ترکمانان: ۴۶، ۳۵
ترکمانچای [عهدنامه]: ۳۳
ترکان: ۷۱، ۳۵
تفسیر سوره المحمد [باب]: ۹۱
تفسیر سوره بقره [باب]: ۹۱
تفسیر سوره قدد [باب]: ۹۱
تفسیر سوره یوسف یا احسن القصص [باب]: ۱۱۰، ۱۰۹، ۹۱
تقی [سعد]: ۱۵۶
تقی کرمانی [ملا]: ۱۱۸
تقی هروی [ملا]: ۱۱۷
تک خدایی: ۲۷
تکوین و تشریح [آقاخان کرمانی]: ۱۶۹
- تناسخ: ۷۰
تنبیه النائمین [عزیدخانم]: ۱۵۳
تنکابنی: ۱۶۰، ۸۵
تولدات: ۹۷، ۸۶
توکرنیوس: ۱۰۳
تومانیکی، الکساندر: ۱۶۳
توین بی، آرنولد: ۱۴۸
تهران: ۳۱، ۳۲، ۵۹، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲
تهران: ۱۱۷
تیلیسیت [معاهده]: ۳۲
تیمور: ۷۱، ۷۰
تیموریان: ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۷۰، ۷۱
ث
ثنویت: ۲۲، ۲۴، ۲۵
ج
جابرین حیان: ۹۴
جابلسا: ۷۸، ۱۴۰
جابقا: ۱۷۸، ۱۴۰
جاویدان کبیر [فضل الله]: ۹۵
جعفر تاجر: ۱۵۲
جعفر صادق [امام ششم]: ۶۹، ۷۰، ۷۸
جعفر قلی خان: ۱۳۰
جعفر کشفی: ۱۲۷
جلال الدین حسن [اسماعیلیه]: ۱۰۶
جلال الدین میرزا: ۱۵۷، ۱۵۸
جهود [انلاطون]: ۱۰۳
جوادر بلانی: ۱۵۱
جوامع الکلم [احسانی]: ۶۲، ۷۲

جونس، سرهارد فوردر: ۳۲

جوینی، عظاملك: ۱۷

چ

چراغان: ۴۵

چهریق [قلعه]: ۸۷

چیرول، والتین: ۱۶۳

چینوت: ۷۵ نیز نگاه کنید به صراط [هل]

ح

حاجب الدوله: ۱۱۸، ۱۳۰

حاج ملاهادی سبزواری: ۱۶۸، ۸۱

~ شرح منظومه ۸۱

حاج میرزا آقاسی: ۴۹، ۸۶، ۱۲۱

حاجی بابا [سوریه]: ۳۷، ۴۵، ۴۷

حاضر السلاح — آقا جان بك زنجانی

حافظ: ۲۷

حج [سوره]: ۷۶

حجاز: ۱۱

حجة ابن الحسن [امام دوازدهم]: ۷۳

حران: ۵۹

حروئیون: ۷۰، ۱۷۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱

۱۰۶، ۱۰۸: ~ قیام علیه تیمور

۱۷۰: ~ سوه قصد به شاهرخ

۱۷۱: ~ عشق نامه ۹۵ ~

محررم نامه ۷۱: ~ فلسفه ۹۵

حسن [امام دوم]: ۵۸، ۶۹

حسن بن محمد بزرگ امید — علی

ذکره السلام

حسن خمسه ای: ۱۳۲

حسن زوزی [میرزا]: ۸۸

حسن عسکری [امام یازدهم]: ۹۵

حسنعلی میرزا [فرزند فتحعلی شاه]: ۴۶

حسن نائب فرادشخانه: ۱۳۱

حسن هندیانی: ۱۵۲

حسین بن علی [امام سوم]: ۶۲، ۶۹

حسین ابن روح نوبختی: ۶۵

حسین بشرویه [ملا] — بشرویه، حسین

حسین خان مقدم: ۸۶

حسین خان مشیر الدوله: ۱۵۲

حسین خراسانی: ۱۲۹

حسینعلی [میرزا] — بهاء الله

حسینعلی نوری: ۱۱۹

حسین میرزا، سلطان [پسرتحعلی شاه]:

۱۲۳

حسین میلانی: ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۵۲

حضرت عظیم [شیخ علی]: ۱۱۷

حقایق الاخبار ناصری [خوسروچی]:

۱۲۱، ۱۲۷

حق الیقین [مجلسی] ۷۶

حکمت اشراق: ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۱۰۲

۱۶۷ نیز نگاه کنید به فلسفه نور

حکمت دیاکوت — گفتار در روش راه

بردن فرد

حکمت، مهدی خان: ۸۷

حکمت ناصریه — گفتار در روش راه

بردن فرد

حکمت نظری [آقاخان کرمانی]: ۱۶۹

حکیم باشی — احمد کاشانی

حلب: ۷۰

حلی — علامه حلی

هوا بیگم [دختر شاه عباس]: ۴۸

حیة النفس [احسایی]: ۷۳

حیدرخان عمواوغلی: ۱۶۹

حیدرعلی امفهانسی: ۱۳۹ ~

بهدت الصدور ۱۳۹

- حیدر علی زنوزی [مجتهد]: ۸۸
- حیفا: ۱۶۴
- خ
- خادم الله ← میرزا جان کاشانی
- خلفای اموی ← امویان
- خلفای ثلاثه: ۶۱
- خلفای ثلاثه: ۶۱
- خلفای راشدین ← راشدین [خلفا]
- خلفای فاطمی ← فاطمی [خلفا]
- خراسان: ۴۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۱
- ۱۳۹
- خرم دینان: ۱۰۸، ۱۱۸
- خطابیه: ← ۷۰ نیز نگاه کنید به
- ابوالخطاب محمد الاسدی
- خوارج: ۲۳
- خورموجی، محمد جعفر: ۱۲۱، ۱۲۷
- ~ حقایق الاخبار ناصری ۱۲۱
- ۱۲۷
- خوزستان: ۷۱
- د
- دالکورکی: ۱۶۱، ۱۶۲ ~
- گزارشات در باره بابیان ۱۶۱
- داوود میرزا: ۱۲۳
- د، نیبه: ۱۶۱
- در زرگنده، میرزا مجید: ۱۶۲
- دکارت ۱۶۷، ۱۶۹ ~ گفتار در
- دوش راه بودن فرد ۱۶۸، ۱۶۹
- دموکریت: ۲۵
- دوست محمد: ۱۲۵
- دهریون: ۲۵
- دیاکرت ← دکارت
- دیان تبریزی ← امدالله دیان
- ذ
- ذکر الله ← باب
- ذوالفقار: ۱۳۰
- ر
- رازی، ابوبکر محمد: ۲۵
- راشدی [خلفا]: ۶۱
- رجبعلی قاهر: ۱۵۱، ۱۵۲
- رسالة اسکندریه [ابوالفضل گلایگانی]:
- ۱۶۳
- رسالة الغفران ← الغفران
- رسالة بسیط الحقیقه [باب]: ۹۱
- رساله عقل سرخ [سهروردی]: ۵۷
- رساله فی السیاسیه [فارابی]: ۱۰۴
- رسول [آقا]: ۱۲۳
- رشت: ۴۳
- رضا [امام هشتم] ← علی ابن موسی الرضا
- رضاقلی تفرشی: ۱۵۲
- رضائیه: ۸۷
- رفیع نوری [میرزا]: ۱۳۱
- زمان، ارنست: ۸۵
- روسها، روسیه: ۱۹، ۱۲۷، ۳۲، ۳۳
- ۱۸۶، ۱۰۲، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۶۱
- ۱۶۴: ~ و بهائیهها ۱۶۴
- روسیه شوروی ← اتحاد جماهیر شوروی
- ~ سوسیالیستی
- روم، رومیان: ۱۱، ۲۰، ۶۶، ۱۱۲
- ~ روم شرقی ۱۱
- رومیو [ژنرال]: ۳۲
- ز
- زرتشت، زرتشتیان: ۲۰، ۲۱، ۲۴
- ۲۵، ۶۸، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۸۰
- ۸۱، ۱۱۲، ۱۵۸

- زنجان: ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۵ ~ سلوکیان: ۹، ۱۰
شورش بایان ۱۲۴، ۱۲۶
زندیه: ۲۷، ۳۱
زین العابدین خان: ۱۲۷، ۱۲۸
زین العابدین یزدی [ملا]: ۱۲۹
زین العابدین — علی ابن حسین
ژئوس: ۶۶
ژ
ژابن: ۵
ژان: ۱۰۴
ژرژ بنجم: ۱۶۴
ژویر، پیر آمده: ۳۶، ۳۷، ۴۳
ژوی: ۴۴
س
ساسانی: ۹-۱۲، ۲۰، ۲۱
ساکون: ۵۱
سام خان: ۸۹، ۹۰
سامی: ۹۶
سبزوار: ۱۲۱
سپهر، محمد تقی [مورخ الدوله]: ۸۷، ۱۱۹، ۱۲۵ ~ نامخ التوادیح
۸۷، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۷
خارخان: ۱۶۹
سرخس: ۳۳
سرمایه سالاری: ۲۳، ۳۱، ۳۴، ۴۲، ۱۰۹، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱
۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸
سربانی، سربانیان: ۹۳، ۱۵۱
سعیدخان [میرزا]: ۱۲۹
سلجوقیان: ۱۳
سلسله ثمانیه [باب]: ۹۱
سلمان پاریسی: ۶۵، ۶۶
- سلیمان خان افشار: ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۱
سلیمان خان تبریزی: ۱۶۰
سلیمانیه: ۱۵۱
سمرقند: ۴۶، ۱۶۳
سیح افندی: ۱۶۲
سنایی: ۷۵ ~ سیر العبادالی المعاد ۷۵
سودان: ۱۴۲
سوریه: ۱۰۶
سومالی: ۱۴۲
سویس: ۲۳
سهروردی، شهاب الدین: ۲۵، ۵۷، ۶۸، ۸۱، ۱۰۲، ۱۰۳ ~
(سأله عقل سرخ ۵۷)
سید عابد: ۸۵، ۱۱۴، ۱۲۸
سید علی [میرزا]: ۱۱۸
سید کاظم رشتی: ۶۲، ۷۲، ۸۱، ۸۵
۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲ ~
زندگی و آثار: ۱۶۱، ۱۶۲
سید مارینی: ۱۳۴
سیدیحیی دارابی — یحیی دارابی
سیر العبادالی المعاد [سنایی]: ۷۵
سیف الدوله: ۱۰۵
ش
شاهرخ افشار: ۷۱، ۱۳۹
شاهرود: ۶۰، ۱۱۹، ۱۲۱
شاهسونها: ۳۵
شاه عباس: ۲۸، ۴۸
شاه لئو [شکسپیر]: ۴۵
شجاع السلطنه — حسنعلی میرزا
شرح الزیاده [احسایی]: ۶۱

- شرح مودة توحيد [باب]: ۹۱
شرح منظومه [حاج ملاهادی سبزواری]:
۸۱
شريف العلماء مازندرانی، سيد مهدي:
۱۶۱، ۱۲۵
شط العرب: ۱۵۲
شفتی، محمد باقر: ۱۳۹، ۱۸۶
شفيح ثقة الاسلام: ۱۳۹، ۱۴۰
شکسپر: ۴۵ ~ شاه لير ۴۵
شکوه الساطنه: ۱۳۹
شمس تبریزی: ۲۷
شوشی [شوشا]: ۳۱
شیرازی افسدی: ۱۵۵، ۱۶۲ ~
قرن بدیع ۱۶۲
منهرا آفتاب [کامیانلا]: ۱۰۳
شهر خدا [اکوستین قدیس]: ۲۵
شهرستانی، میرزا رضی: ۴۸
شیت: ۹۷
شیخ احمد احسائی ← احسائی، شیخ احمد
شیخ اشراق ← سهرودی
شیخ صدوق: ۷۲ ~ کمال الدین ۷۲
شیخ طبرسی [قلعه]: ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶
۱۲۷، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۶۱ ~
شورش بایان ۱۲۲
شیخ عابد ← سید عابد
شیخ علی ← حضرت عظیم
شیخ مفید: ۷۰
شیرخیزه: ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵
۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۵
۱۱۱، ۱۳۹، ۱۴۱ ~ و
اسماعیلیان ۱۶۸ ~ اختلاف و
- انشعاب ۱۴۰ ~ بنیانهای
ایدئولوژی ۱۵۵، ۱۶۳ ~
زهران ۱۳۹، ۱۴۱ ~
ومعاد ۷۴
شیراز: ۴۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۱۰، ۱۴۴
~ کفیه ناکجا آباد بایان ۱۱۱
شیعیان تندرو ← غلات
شیل [سفیر انگلیس]: ۱۶۲
ص
صائبین حران: ۱۵۹، ۱۶۷، ۶۸
صادق زنجانی: ۱۳۱
صالح برغانی: ۱۳۲
صبای کاشانی، فتحعلی خان: ۴۵
صبح ازلی، میرزا یحیی: ۳، ۹۱
۱۵۱-۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۴ ~
تبعید به قبرس ۱۵۲ ~ جانشینی
باب ۱۹۱، ۱۵۱
صدرالممالک: ۴۹ نیز نگاه کنید به
ایران، روحانیون
صدر فاصله: ۴۸، ۴۹، نیز نگاه کنید به
ایران، روحانیون
صراط [هل] ۷۶ نیز نگاه کنید به چینوت
صفویه: ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۷
۲۱، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۷۱
صحيفة عدليه [باب]: ۹۱
ط
طاهره: ← قره العین
طباطبایی، سید مهدي: ۵۹
طبایان: ۲۵
طهران ← تهران
ظ
ظهورات اربعه: ۱۰۰

- ع
عالم اشباح - مثل
عالم عازله - مثل
عباس افندی - عبدالبها
عباس طهرانی: ۱۳۰
عباسقلی: ۱۲۸
عباس میرزا: ۴۴
عبدالله [پسر شیخ احمد احسائی]: ۵۹
عبدالله غوغا: ۱۵۲
عبدالبهاء: ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹
عبدالرحمن کرکوتی: ۱۵۴
عبدالرحیم هروی: ۱۱۷، ۱۲۵
عبدالفخار: ۱۵۲
عبدالکریم آزوینی: ۸۸، ۱۳۱
عبد الوهاب شیرازی: ۱۳۰
عبری: ۱۵۱
عثمان: ۶۱
عثمان آنا: ۴۵
عثمانی: ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۸۶، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۴
۱۶۲
عراق: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۰۶، ۱۳۲
۱۵۴، ۱۵۱
عراق عجم: ۱۰۷، ۱۳۸
عرب، عربستان: ۱۰، ۱۴، ۳۵، ۱۷۰، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۴۴
عزیزخان: ۱۳۳
عزیزه خانم: ۱۵۳ ~ ثلثیه الفانومین
۱۵۳
عشق آباد: ۱۶۳
عشق نامه [فضل الله]: ۹۵
عطارد - رکود
عکا: ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰
- علامه حلی: ۵۹ ~ تبصره ۵۹
علم حروف: ۹۳ نیز نگاه کنید به
حروفیون
علم کلام - اسکولامنتیکها
علم عدد: ۹۲
علی [امام اول]: ۶۹، ۷۹
علی [پسر شیخ احمد احسائی]: ۱۳۱، ۱۴۰
علی اکبر المیلانی: ۱۵۷
علی بن حسین [امام چهارم]: ۱۵۸، ۶۹
علی بن محمد سادی: ۶۵
علی بن موسی الرضا [امام هشتم]: ۵۹
علی قرشیزی: ۱۲۹
علی خان حاجب الدوله - حاجب الدوله
علی ذکوره السلام: ۱۷۷، ۱۰۶ ~
ادعای امامت ۷۷
علی سیاح: ۱۵۲
علی کنی [املا]: ۱۳۳
علی محمد - باب
علی نقی [پسر شیخ احمد احسائی]: ۱۴۰
عمر: ۶۱
عناصر اربعه: ۱۷۸، ۹۴
عهد حقیق: ۱۵۹
عیسی، عیسوی: ۹۷، ۹۹، ۱۵۹
غ
غزالی: ۱۲۶، ۸۰
الغفران [ابوالعلا معری]: ۷۶
غسلات: ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۱۹۴
۱۰۶، ۱۰۱، ۱۰۹۶
غلام احمد قاریانی: ۱۴۲
ف
فارابی: ۲۵، ۵۰، ۸۱، ۱۰۴، ۱۰۵

- ۱۱۰۷، ۱۶۸؛ ~ آراء اهل
 المدينة الفاضله ۱۰۴؛ ~
 السیاسات مدینه ۱۰۴
 فارس: ۱۰۷، ۸۶، ۸۵، ۴۳، ۳۸، ۳۱، ۱۴۵، ۱۲۷
 قاطمه --، قره العین
 قاطمی [خلفا]: ۶۹
 فتح الله قمی: ۱۳۰
 فتحعلی شاد: ۳۸، ۳۷، ۳۵، ۳۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۳، ۱۵۹
 فرانسه، فرانسیوی: ۳۲، ۱۹، ۳
 ۳۳، ۴۳، ۴۴، ۱۰۷، ۱۵۴
 ۱۶۱، ۱۶۹ ~ انفلاب کبیر
 ۱۰۷، ۵۲، ۲۷
 فراهان: ۴۳
 فرنگستان: ۴۵
 فریزر: ۳۸، ۳۶
 فضل الله حرونی: ۷۰، ۷۱، ۹۵ ~
 جابدان کبیر: ۹۵ ~ عشق نامه
 ۹۵ ~ مجرم نامه ۷۱، ۹۵
 فلاندن، آوژن: ۴۲
 فلسطین: ۱۶۴
 فلسفه نور: -- حکمت اشراق
 فلوطین: ۲۴
 فیتاغوریان: ۱۰۱، ۹۶، ۹۳، ۹۲
 فیروز میرزا: ۱۲۷
 قبلی ها: ۳۵
 ق
 قاجار، قاجاریه: ۲، ۱۶، ۱۷، ۱۹
 ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۴۷، ۴۹
 ۱۷۱، ۷۲، ۸۷، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۱
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹
- ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۱
 ۱۴۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۱
 ۱۶۲، ۱۶۷
 قادیانی -- غلام احمد قادیانی
 قاسم انوار: ۱۰۷
 قاسم نبی ربزی: ۱۳۱، ۱۶۰
 قائم مقام: ۳۴
 قاین: ۴۳
 تیرس: ۳، ۱۵۲، ۱۵۹
 قدیون: ۲۴
 قدوس الاسماء [باب]: ۹۱
 قرآن: ۴، ۵، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۴۸
 ۵۰، ۵۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷
 ۶۹، ۷۵، ۷۷، ۸۶، ۹۱، ۹۶
 ۹۷، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۳
 ~ سوره های المحمد ۹۱؛ ~
 الانبیاء: ~ بقره ۹۱؛ ~ توحید
 ۹۱؛ ~ حج ۷۲؛ ~ قدر
 ۱۹۱؛ ~ لیل ۹۷؛ ~
 مریم ۶۷؛ ~ مؤمنون ۷۶؛ ~
 نعل ۷۶؛ ~ واقعه ۷۶؛
 ~ یوسف ۹۱؛ ~ سوره های
 مکی ۹۷
 قراگوزلو: ۳۵
 قربان علی درویش [میرزا]: ۱۱۸
 قره العین: ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
 ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۷
 ۱۶۰ ~ ترویج اندیشه های
 مساوات گرایانه ۱۲۰؛ ~
 زندگی و آثار ۱۳۳؛ ~ کشف
 حجاب ۱۲۰، ۱۴۶
 قرمطیان: ۱۰۶، ۱۰۸

- قرن بدیع [شوقی انندی]: ۱۶۲
 قره داغ: ۴۳
 قره قویونلو: ۷۱، ۲۷
 قزوین: ۱۳۲، ۶۰، ۴۳
 قشایبی: ۳۵
 قصص العلماء [تنگابنی]: ۸۵، ۶۰
 قم: ۶۰
 قمشه: ۳۸
 قوچ علی سلطان طسوجی: ۹۰، ۸۹
 کشان: ۱۲۱، ۴۵، ۴۳
 کاظم ابن استاد یوسف: ۱۴۰
 کاظمین: ۱۳۰
 کاظمینی — عبدالوهاب شیرازی
 کالوین، جان: ۵، ۲۳، ۱۴۳، ۱۴۶
 ۱۶۰ ~ کالونیسم، ۵، ۱۴۶
 کامپانلا، سومسازو: ۱۰۳ ~ شهر
 آفتاب ۱۰۳
 کامران میرزا: ۱۳۵
 کربلا: ۱۱۷، ۸۵، ۶۲، ۶۱، ۵۹
 ۱۵۲، ۱۲۵
 کرین، هازی: ۴، ۲ ~ مکتب شیخیه
 ۴، ۲
 کرپانها: ۲۱ نیز نگاه کنید به زرتشت
 کریورتر: ۴۲ نیز نگاه کنید به زرتشت
 کردستان: ۴۲، ۳۱
 کردها: ۳۵
 کرذن، جرج ن. ۱۶۴، ۱۴۰، ۴۴
 کرمان: ۱۴۰، ۱۳۹، ۴۳
 کرمانشاه: ۶۰
 کرمانی، محمدخان: ۴
 کاریها: ۲۱ نیز نگاه کنید به زرتشت
- کلام [علم]: اسکولاستیکها
 کلدانیان: ۱۱۲، ۹۶
 کلدانی مسیحی [فوج]: ۸۹
 کلمات مکتوبه [بهاء الله]: ۱۵۸
 کنت، اگوست: ۱۶۹
 کنی، حاج ملاعلی: ۵۲، ۵۱
 کونزبوئه، موريس دو: ۴۴
 کوفه: ۷۰
 کوه قاف ۷۸ نیز نگاه کنید به مثل
 ک
- کاتاها: ۲۱
 گاردان [ژنرال]: ۴۲
 گرجستان: ۸۶
 گرگان: ۳۵
 گرمها: ۲۱ نیز نگاه کنید به زرتشت
 گفتار دردوش راه بردن فرد [دکارت]:
 ۱۶۸
 گلایگان: ۴۳
 گلستان [عهدنامه]: ۳۲
 گنجینه احکام [بهاء الله]: ۱۵۵، ۱۵۶
 گوینو، کنت دو: ۴، ۳، ۱۳۹، ۱۵۴
 ۱۶۸، ۱۶۹
 گورویچ، ژرژ: ۱۴۸
 گوچهر [ستاره دنباله دار]: ۷۵
 گیلان: ۷۱
 کیومرث: ۷۴، ۷۵
 ل
- لارستان: ۳۵
 لاهیجی، عبدالرزاق: ۲۸
 ل
- لحسا: ۱۰۶
 لرها: ۳۵

- لسان الملك — ميهير، محمدتقى
 لطفعلی خان زند: ۳۶
 لطفعلی شیرازی: ۱۳۲
 لك [ابلات]: ۳۵
 لوثر، مارتین: ۵، ۲۳، ۱۴۳
 لوح رحمت — لوح ژرژینجم
 لوح ژرژینجم: ۱۶۴
 لورنس، ژول: ۴۲
 لوکریوس: ۲۵
 لوب [سوره]: ۹۷
 لیون: ۱۰۴
 م
 ماتریدی: ۲۶، ۸۰
 ماده: ۹
 سازندگان: ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷
 ۱۵۱، ۱۰۷، ۱۲۴، ۱۴۵
 ۱۴۷
 ماغوسا [شهر]: ۱۵۹
 ماکو: ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۱۱۹، ۱۲۰
 ۱۶۱، ۱۴۵
 مانکنجی: ۱۵۷
 مانی: ۱۰، ۲۱، ۲۴، ۸۱
 مایا: ۶۶
 متشرعین: ۷۹، ۸۰ ~ اصول دین
 ۸۰
 مثل: ۷۸، ۸۰، ۹۴ نیز نگاه کنید به
 انقلابون
 مجددالدوله، امیراصلاحان خان: ۱۲۵،
 ۱۲۶
 مجلس شورای ملی: ۱۵۷
 مجلسی، محمدباقر [ملا]: ۵۰، ۷۶
 ~ حق الیقین ۷۶
- محمودنامه [فضل الله]: ۷۱، ۹۵
 محمدالاسدی — ابوالخطاب
 محمد اندرمانی [ملا] — اندرمانی،
 محمد
 محمدباقر [امام پنجم]: ۵۸
 محمدباقر اصفهانی: ۱۵۱، ۱۵۲
 محمدباقر شفتی — شفتی، محمدباقر
 محمدباقر قهپایه ای: ۱۳۲
 محمدباقر نجف آبادی: ۱۳۰
 محمد [پسر محمدتقی برغانی]: ۱۳۲
 محمد بن اسماعیل: ۶۹
 محمد بن عبدالله (ص): ۴۸، ۹۵، ۱۰۰
 محمد بن عبدالله حسن المهدي: ۱۴۰
 محمد بن علی ذکره السلام: ۱۰۶
 محمد بن محمود آملی: ۹۳ ~
 نفایس الغنون فی عرایس العمیون ۹۳
 محمدجعفر استرآبادی — استرآبادی،
 محمدجعفر
 محمدجعفر نراقی: ۱۵۱
 محمدحسن [شیخ]: ۶۱
 محمدحسین تبریزی: ۱۱۸
 محمدحسین ترشیزی: ۱۱۸
 محمدتقی برغانی: ۶۰، ۱۳۲
 محمدتقی لسان الملك سهر — سهر،
 محمدتقی
 محمد رحیم خاں: ۱۴۰، ۱۴۱
 محمدرضا [میرزا]: ۱۵۱، ۱۵۲
 محمد سلطان یاور: ۱۲۳
 محمدشاه تاجار: ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۹
 ۶۱، ۸۶، ۱۲۱، ۱۲۵
 محمدعلی انیس [ملا]: ۸۷، ۹۰
 محمدعلی بارفروشی: ۱۱۹، ۱۲۰

- مشروطیت، انقلاب: ۱۳۴، ۱۴۱،
۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۹
مشعشع، سید محمد: ۷۱
مشکین قلم خراسانی: ۱۵۲
مشهد: ۴۳، ۴۵، ۵۹، ۱۶۰، ۱۷۱
مشیانگ: ۷۵
مشیرالدوله — حسین خان مشیرالدوله
مشیگ: ۷۵
مصباح الارواح [اوحدالدین کرمانی]:
۷۵
مصریان: ۶۷، ۱۱۲
مصنفات افضل الدین کاشانی: ۱
مظفر الدین میرزا: ۱۳۹
ممتازیه: ۲۴
معراج صحی الدین عربی — الاسراء
الی المقام امیری
معمدالدوله: ۸۶
مغان: ۱۰
منقول، مغولان: ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۶،
۷۰، ~ حمله به ایران: ۱۷
مکتب شیخیه [هانری کرین]: ۴۲۲
مکتوبات کمال الدوله [آخوندزاده]:
۱۶۹
مکه: ۶۱، ۷۷، ۸۵
مکی [سوره ها]: ۹۷
ملا آقای دربندی: ۶۱
ملا باشی — حسن زنوزی
ملا صدرا: ۲۸، ۶۰، ۸۱، ۱۰۲
ملاهادی سبزواری — حاج ملاهادی
سبزواری
مسنی: ۳۵
ملك آرا: ۱۳۹، ۱۴۰
- ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۴۵
۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۹، ~ اشتباهات
۱۴۶
محمدعلی زنجانی: ۱۲۵، ۱۶۰
۱۶۲، ۱۶۹
محمدعلی شاه قاجار: ۱۵۶، ۱۵۷
~ و بابیان ۱۵۶، ۱۵۷
محمدعلی نجف آبادی: ۱۳۱
محمدقطب [سید]: ۱۴۸
محمد کریم خان کرمانی: ۱۳۹، ۱۴۰
محمدقلی میرزا ملك آراسه ملك آرا
محمد مصفا علی [حجة الاسلام]: ۱۸۸، ۱۳۹
محمدنی ریزی ۱۳۰
محمدودخان کلانتر: ۱۳۳
محمدودتزوینی: ۱۳۱
محی الدین عربی: ۷۵، ~ الاسراء
الی المقام الاسری ۷۵
مدینه: ۶۱، ۷۷
مدینه جاهله — مدینه نازله
مدینه فاضله: ۱۲۵، ۱۰۳، ۱۱۴
مراغه: ۱۱۸
مرکور: ۶۶
مرو: ۱۷
مریم [سوره]: ۶۷، ۷۶
مزدک، مزدکی: ۱۰، ۲۱، ۲۲
۲۴، ۸۱، ۱۰۸، ۱۲۰
مزدیسنا: ۲۰
مستوفی العمالك: ۱۲۹
مسجدشاه: ۱۱۷
مسکو: ۴۴
میجی، میجیان: ۲۳، ۹۳، ۱۰۳
۱۱۰، ۱۴۳

- ملك المتكلمين: ۱۴۳
 ملك زاده، مهري: ۱۳۴
 ملكم، سرجان: ۱۶۹، ۳۰
 منتخب الاثر: ۷۲
 منچستر: ۴۴
 منصور حلاج: ۶۸
 منطقی سجستانی—، ابوسایمان منطقی
 موریه، جیمز: ۳۷، ۴۵: ~ حاجی-
 بابا ۳۷، ۴۵، ۴۷
 مولوی: ۲۷
 موسی: ۹۸، ۹۹
 موسی خان: ۱۳۰
 مولها وزن: ۴۴
 مؤمنون [سوره]: ۷۶
 مونستر، توماس: ۱۰۴، ۱۶۰
 مؤمنی، م. مین: ۴
 المهدي—، محمد بن عبدالله حسن المهدي
 مهدي خان حکمت، حکمت، مهدي-
 خان
 مهدي سودانی: ۱۴۲
 مهديقلی میرزا: ۱۲۲
 مهدي ملك التجار: ۱۳۲
 مهرپرستی: ۲۱، ۲۵، ۷۲ نیز نگاه کنید
 به ایران، مهرپرستی
 میامی: ۱۲۱
 میتر—، مهرپرستی
 میرزا ابوالحسن: ۱۶۸
 میرزا تقی خان—، امیر کبیر
 میرزا آقاخان کرمانی—، آقاخان کرمانی
 میرزا اجانی کاشانی: ۹۲، ۱۱۷، ۱۱۸
 ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۴۷
 ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۰
- ~ نقطه الکاف ۹۲، ۱۴۶
 ۱۵۱، ۱۵۴
 میرداماد: ۲۸
 میرزا شیخ تیربزی: ۸۵
 میرفندرسکی: ۲۸
 میرانشاه: ۷۰
 میر علی محمد: ۸۵
 ن
 ناپلئون بناپارت: ۳۲، ۴۳، ۴۴
 نادرشاه افشار: ۳۵، ۴۹
 ناسخ التواریخ [سهراب]: ۱۸۷، ۱۱۹
 ۱۲۵، ۱۲۷
 ناصرالدین شاه: ۳۱، ۵۱، ۱۱۴
 ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶
 ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹
 ۱۴۱، ۱۵۵: ~ سوء قصد از
 جانب پاییمان: ۱۳۲، ۱۵۱
 ۱۶۲
 ناصر خسرو: ۲۵، ۲۸، ۱۰۶
 ناکجا آباد—، مدینه فاضله
 نبی دماوندی: ۱۳۱
 نجف: ۵۹، ۸۵
 نجف خمسه ای: ۱۳۲
 نجفی ز آقا: ۱۳۴
 نجیب پاشا: ۶۲
 نسا: ۱۷
 نسوی: ۱۷
 نسلرود، کنت: ۱۶۱
 نسیمی [شاعر]: ۷۰
 نصرالله تفرشی: ۱۳۲، ۱۵۲
 نصره الدوله—، فیروز میرزا
 نصیریه [فرقه]: ۶۷